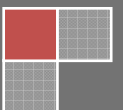




لغت نامه اصطلاحات

همندی چهارمی



A

Accelerator(s)

شتابگر

موادی که در انجام فعل و انفعالات شیمیایی، سرعت واکنش را زیاد می کنند. برخی از کاتالیزورها در فعل و انفعالات شیمیایی تند کننده و برخی کند کننده هستند.

Adapter, adaptor

تبدیل

وسیله ای که دو ابزار از نوع متفاوت (مثلاً، متفاوت در اندازه) را به هم متصل کند.

B

Back fill (to)

پرکردن چاه

پرنمودن چاه با مایعاتی مثل گل حفاری به دلیل های گوناگون، یک حالت پرکردن بعد از تکمیل چاه است تا زمان بهره برداری با مایع مزبور به حال تعادل می ماند و چاه باید با مایع مزبور پر بماند.

Back off(to)

پس چرخاندن لوله ها، پس گردی

باز کردن لوله های گیر افتاده در چاه که با چرخش لوله ها در جهت عکس بسته شدن انجام گیرد.

Back pressure

پس فشار

پمپ کردن سیال حفاری در چاه به منظور ایجاد فشار زیاد جهت جلوگیری از فوران چاه (پس زدن فشار چاه توسط فشار گل حفاری)

Bail(to)

با سطل خالی کردن

خالی کردن کنده های حفاری توسط سطل یا دلوچه در بیرون چاه (در سیستم های قدیم حفاری).

Bailer

سطل

ظرفی سطل مانند که کنده های حفاری متشکل از خرده سنگ ها و خاک را به بیرون از چاه انتقال می دهد.

Bare foot (Open hole)

چاه بدون جداره

دیواره چاه که لوله گذاری نشده و به اصطلاح هنوز باز است.

Bare foot completion
تکمیل چاه با دیواره باز، حفره باز

Bent sub
طوقه خمیده

نوعی وسیله برای ایجاد زاویه انحرافی که در منحرف کردن مسیر چاه از امتداد مستقیم به کار می رود.

Bit size
اندازه مته، قطر مته

منظور بزرگی مته است که به عنوان یک استوانه فرض شده و قطر آن در واحد طول نظیر میلی متر یا اینچ ارائه می شود.

Blank casing
لوله جداری مشبک نشده
لوله جداری که مشبک یا سوراخ نشده باشد.

Blank liner
لوله آستری مشبک نشده

Blind drilling
حفاری کور
نوعی حفاری که در آن، سنگ های حفر شده به سطح زمین نمی رسند و علت این امر هرز رفتن کامل گل حفاری در سازند می باشد.

Bore hole assembly
ابزار درون چاهی
وسایلی که برای حفاری چاه به درون چاه برده می شوند.

Bore hole survey

چاه سنجی

بررسی چاه، مثلاً، انحراف سنجی که میزان انحراف مسیر چاه از امتداد شاقولی را نشان می دهد.

Bottom-hole

آخرین عمق حفاری شده چاه

Bottom-hole pressure

فشار ته چاه

Bottom-hole sampler

نمونه گیر ته چاهی

وسیله ای که در انتهای چاه قرار می گیرد و می تواند نمونه ای از سیال سازند را به همراه بیاورد.

Bottom plug

مجرا بند ته چاهی

این مجرا بند در ابتدای عمل سیمان کاری به درون چاه رانده می شود که زیر آن مایع گل حفاری و روی آن دوغاب سیمان قرار می گیرند. یا پمپ کردن دوغاب سیمان عمل جا به جایی گل توسط سیمان صورت می گیرد و با ازدیاد فشار، مجرا بند مزبور سوراخ شده و دوغاب سیمان به پشت لوله های جداری راه می یابد.

Bottom up

رسیدن مواد کف چاه به سطح زمین

گردش گل حفاری تا مواد موجود در ته چاه به سطح زمین یعنی، الکل برسند.

C

Case(to) a well

جدار گذاری

نصب لوله در چاه است. لوله های جداری روی سکو به یکدیگر متصل شده و به ترتیب به درون چاه فرستاده می شوند، تا ابتدای لوله که کفشک نامیده می شود به آخرین عمق چاه برسد. در این موقع عمل سیمانکاری شروع می شود. بعد از خاتمه سیمان زدن مدتی برای سخت شدن دوغاب سیمان صبر لازم است و این پایان عمل جداره بندی کردن چاه است.

Cased hole

چاه جداره دار

طوقه لوله جداری، محل اتصال لوله های جداری **Casing collar** ابتدا و انتهای لوله جداری (دو سر لوله جداری) که درون خود در دو جهت مخالف شیار دارد و دو عدد لوله به هم متصل می شوند.

Casing collar locator (CCL)

طوقه یاب لوله جداری

شناسایی محل اتصال دو شاخه لوله جداری که برای تطابق عمقی نیاز است.

Casing float collar

طوقه یک طرفه لوله جداری

لوله ای کوتاه با «شیر یک طوقه» که عبور سیال از جمله دوغاب سیمان را فقط در یک جهت ممکن می سازد.

Casing head

سرلوله جداری

ابتدای لوله جداری، زیر سکوی حفاری و در محوطه گودال چاه است.

Casing head housing

سرلوله جداری پایه

این سرلوله به لوله جداری سطحی بسته می شود و وزن تمام لوله های جداری یک چاه را تحمل می کند. نیروهای وارد بر آن از طریق لوله جداری سطحی به زمین منتقل می شوند.

Casing head spool

ماسوره سرلوله جداری

بعد از راندن رشته جداری میانی و آویزان کردن آن در سر جداری پایه توسط Casing Hanger از ماسوره سرلوله جداری استفاده می شود.

Casing point

عمق لوله جداری

عمقی از چاه که برای نشانیدن لوله جداری مناسب می باشد. کفشک لوله جداری در این عمق قرار می گیرد.

Casing shee

کفشک جداری

لوله ای که در ابتدای رشته لوله جداری قرارگیرد و دارای طول کم است. این لوله نیز با داشتن شیر یک لوله می تواند عبور سیال (دوغاب سیمان) را از درون لول هبه فضای حلقوی هدایت کند و نه برعکس. عمق کفشک، همان عمق لوله جداری است.

Catwalk

راه رو لوله، گذرگاه ابزار

جایگاهی به شکل مستطیل و به ارتفاع یک متر از سطح زمین که در مقابل پنجره برج حفاری قرار دهد. محل جابه جایی لوله ها و ابزار حفاری است و بیش از ۱۰ متر طول دارد. انتهای پایینی پنجره برج به یک انتهای این سطح افقی متصل است. ابزار از روی راه رو و از طریق پنجره به سکوی برج منتقل می شوند.

Caustic soda=Sodium hydrate=Sodium hydroxide

کاستیک سود سوز آور

یکی از مواد ضروری برای گل حفاری که خاصیت بازی یا قلیایی به محلول می دهد. گل حفاری باید خاصیت بازی داشته باشد.

Caving

کنده ریزشی، سنگ ریزشی

خرده سنگ هایی که حاصل ریزش ناخواسته دیواره چاه می باشد و عدم تشخیص آن از خرده سنگ های در حال حفاری باعث ابهام می گردد.

Cavitation

حفره زایی، حفره سازی - کاویتاسیون

عمل ریزش دیواره چاه علاوه بر مشکل نمودن توصیف نمونه های حقیقی در حال حفاری، مشکلاتی در حفاری نیز ایجاد می کند، از جمله این که خرده سنگ های ریزشی می توانند باعث گیر افتادن لوله ها باشند. معنی دیگر آن ایجاد حفره در لوله ها به هنگامی است که فشار در داخل لوله محتوی مایع کم شود.

Cellar

گودال برج حفاری

گودال زیر سکوی برج حفاری به عمق تقریبی سه متر که حفره چاه درست از وسط آن می گذرد.

Cellophane

سلوفان

ماده ای که در ساختن گل حفاری کاربرد دارد (گل افزایه).

Cement bond

سیمان بندی، نوارسیمان، ضخامت سیمان

ضخامت توده سیمان، به عنوان مثال، سیمان در پشت لوله جداری چه ضخامتی دارد.

Cement bond log=CBL

نمودار لایه سیمان، نمودار نوار سیمان

این نمودار کیفیت سیمان پشت لوله جداری را معلوم می کند. اطلاع از کیفیت و ضخامت سیمان در پشت لوله جداری در اکثر اوقات الزامی است.

Cement channeling

رگه شدن سیمان

ایجاد کانال و سوراخ در باند سیمان

Cement plug

مجرابند سیمانی

ستونی از سیمان که به علت های مختلف در چاه قرار داده می شود. یکی از موارد، جلوگیری از هرزروی گل حفاری می باشد. این ستون می تواند در مواقع ضروری، دو بخش را از هم جدا کند. یک مورد دیگر زمانی است که، چاه انحرافی ضرورت پیدا می کند که تا ابتدای مانده، مانع سیمانی گذاشته و از ابتدای سیمان یا مانده مسیر چاه را کج کند.

Cement squeeze

سیمان تزریقی، سیمان افشانی

پمپ کردن دوغاب سیمان با فشار زیاد در چاه به ویژه در منافذ و ترک های چاه، که درمواقع هرزروی گل حفاری کاربرد دارد.

Cementing basket

سبد سیمان کاری

ظرف سببی شکل که لوله جداری از درون آن عبور می کند و ساختمان آن باعث ماندن و تقسیم همه جانبه دوغاب سیمان در پشت لوله جداری می گردد.

Cementing head

کلاهک سیمان کاری

وسیله ای که از درون آن دوغاب سیمان با فشار وارد چاه (لوله جداری) می گردد.

Chain tongs

آچار زنجیری

نوعی آچار به شکل زنجیر، برای باز و بسته شدن ابزار و ادوات فنی و صنعتی.

Channeling

مجرا سازی، رگه رگه شدن

ایجاد ترک، شکاف و مجرا در یک سیستم به هم پیوسته که تشکیل مجرا، یکنواختی سیستم را از بین می برد.

Circulate, Circulation

گردش دورانی گل حفاری، چرخش

گردش در یک مدار بسته. در حفاری یعنی، حرکت گل حفاری از تانک گل به درون لوله های حفاری، خروج این گل از سوراخ های مته و ورود به درون چاه و برگشت از طریق چاه به درون تانک گل.

Circulation (normal-)

گردش عادی گل حفاری

گردش معمولی و عادی گل حفاری بدین معنی که گل حفاری توسط پمپ های قوی توسط لوله ایستای گل و لوله خرطومی گل به درون لوله های حفاری داخل شده و پس از عبور از سوراخ های مته وارد حفره چاه می شود و بالاخره گل حفاری توسط این فشار از فضای محصور، عبور کرده و دوباره وارد تانک های گل می شود.

Circulatin bottoms up

گردش ته چاه، چرخش ته چاه

گردش لوله های حفاری و مته بدون انجام عمل حفاری است. این عمل می تواند به منظور رسیدن آخرین نمونه سنگ به سطح زمین یا هر دلیل دیگری باشد.

Cluster well

چاه خوشه ای

مجموعه ای از چندین چاه که توسط یک برج حفاری در یک محل حفر می شوند، مثل چاه های دریایی که از یک سکو چندین چاه حفر می شود.

CMC: Carboxy-methyl cellulose

سی. ام. سی، کربوکسی متیل سلولز

Collar

طوقه، طوقه لوله وصل کن

لوله استوانه ای شکل کم ارتفاعی که با داشتن مارپیچ در دو طرف قادر است دو عدد لوله از قبیل دو عدد لوله جداری را به هم دیگر متصل کند.

Company man

ناظر چاه، مهندس ناظر

نماینده شرکت نفت و ناظر بر کلیه اعمال سر چاه نفت.

Complete loss

هرزروی کامل گل

گم شدن کامل گل که نمونه سنگ هم به سطح زمین نرسد و تمام گل و محتویات گل به درون لایه نفوذ کند.

Complete a well

تکمیل نمودن چاه

پایان عملیات حفاری یک چاه و آماده نمودن چاه برای بهره برداری.

Completion fluid

سیال تکمیل، مایع تکمیل چاه

مایع مخصوصی که در موقع تکمیل چاه، درون چاه را از آن پر می کنند و علاوه بر کنترل نمودن فشار مخزن قادر است خسارات احتمالی به سازند یا مخزن را به حداقل کاهش دهد.

Condition, Conditioning

تغییر شرایط یا بهسازی

تغییر شرایط و تبدیل آن ها به شرایط مطلوب؛ مثلاً، بهسازی چاه.

Conditioning hole

مناسب نمودن چاه، بهسازی

انجام هر نوع تغییری در چاه، (تمیز کردن) به منظور حفاری بهتر.

Conditioning mud

بهینه کردن و مناسب نمودن گل، بهسازی گل حفاری
ساختن یک گل حفاری مناسب به هرطریقی با اضافه یا کم نمودن مواد ضروری .

Coolie (Wash Coolie)

کارگر گل، کارگر ساده گل حفاری
کارگری که مشخصاً در ساختن گل فعالیت دارد.

Coordinates of well

مختصات جغرافیایی چاه

محل هر چاه توسط اداره نقشه برداری با مختصات جغرافیایی مشخص می شود که با علامت شرقی و شمالی نشان داده می شوند.

Core (Side well-)=Side wall core

مغزه جانبی، مغزه دیواری

Core barrel

مغزه گیر، لوله مغزه گیر، استوانه مغزه گیر
لوله مخصوصی که در بالای مته مغزه قرار گرفته و مازه در درون این لوله جا میگیرد.

Core catcher

نگه دارنده مغزه

وسیله ای که در پایین ترین قسمت مغزه گیر جا گرفته و می تواند مغزه را درون لوله نگه دارد.

Core recovery

درصد برداشت مغزه، بازیابی مغزه

جمع کل مغزه خارج شده از چاه در مقایسه با عمق حفاری شده این مقدار معمولاً به صورت درصد بیان می شود. اغلب اتفاق می افتد که طول مغزه خارج شده کم تر از مقدار حفر شده باشد.

Cushion

ضربه گیر

مایعی که در موقع لایه آزمایی در داخل لوله ها می ریزند تا فشار هیدروستاتیکی گل را تا اندازه ای خنثی کرده و از فشار احتمالی مایع یا گاز ساند کمی بکاهد (تخریب دستگاه ها) اگر این مایع آب باشد، آب ضربه گیر نامیده می شود.

Cushion (air-)=air cushion

هوای ضربه گیر

موقعی که از هوا به عنوان ضربه گیر استفاده شود.

Cut

برش، نفوذ

داخل شدن یک سیال درسیستم و تاثیر گذاشتن روی آن مثلاً، درحین حفاری از سازند می تواند گاز یا نفت وارد سیستم گل حفاری شده و آن را «ببرد» که می گویند گاز یا نفت، گل حفاری را بریده است و متعاقب این عمل، گل گاز زده یا گل نفت زده ایجاد می شود.

Cuttings

کنده

سنگ یا سازند حفاری شده که به صورت سنگ ریزه درآمده و از فضای محصور توسط گل حفاری بر روی الک لرزان یا صفحه مشبک لرزان ریخته می شود. این سنگ ریزه، پس از مغزه با ارزش ترین نمونه از سازند است که به دست آمده و توسط زمین شناس مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

D

Daily drilling progress

پیشرفت روزانه حفاری

مقدار عمقی که در یک روز حفاری می گردد، به اصطلاح متر از روزانه حفاری است.

Daily drilling rate

مقدار حفاری روزانه

متر از حفاری شده در یک روز.

Daily mean

متوسط روزانه، معدل روزانه

هر عدد یا اندازه و مقداری که مربوط به یک روز باشد (مقدار حفاری).

Daily well progress report

گزارش پیشرفت روزانه چاه

گزارشی که محتوای آن در مورد پیشرفت روزانه چاه باشد.

Deep drilling

حفاری عمیق (اعمال بیش تر از پنج هزار متر)

منظور حفاری چاه عمیق است که دست یافتن به لایه ها و طبقات عمیق زمین مورد نظر باشد.

Deepen(to)

عمیق تر کردن

ادامه دادن حفاری یک چاه بیش تر از عمیق نهایی که پیش بینی شده بود.

Deflected well

چاه انحرافی، چاه کج

چاهی که مسیر آن منطبق با امتداد شاقولی نبوده و از آن انحراف داشته باشد.

Degasser

گاز زدا

دستگاهی که می تواند گاز را از سیستم خارج نماید این دستگاه به همراه ماسه زدا و نیز سیلت زدا در بیش تر دکل های حفاری وجود دارد.

Delineation well

چاه توصیفی

چاهی است که بعد از موفق بودن چاه اکتشافی در مخزن تازه کشف شده، حفر می گردد. از وظایف مهم این چاه مشخص نمودن حدود مخزن و ارزیابی یا سنجیدن آن است، به همین جهت درکناره مخزن حفر می گردد.

Deplete (to)

خالی شدن، تهی شدن

وقتی یک مخزن در اثر استخراج یا تولید، خالی از نفت یا گاز گردد (منظور خالی شدن از نفت یا گازی است که می توانست استخراج گردد)

Depleted reservoir

مخزن خالی شده

مخزن نفت یا گاز که در اثر استخراج خالی شده و دیگر نفت یا گاز قابل استخراج ندارد.

Depleted well

چاه خالی، چاه تخلیه شده

چاهی که ذخیره آن به پایان رسیده است.

Derrick

برج یا دکل حفاری

در این جا فقط دستگاه هرمی شکل حفاری است که روی چاه نصب شده است و عمل حفاری را انجام می دهد. این قسمت به اضافه سایر وسایل، دکل نامیده می شود.

Derrick floor

سکوی برج حفاری

صفحه فلزی بزرگی که در قسمت پایینی دکل حفاری در ارتفاع تقریبی ده متری از سطح زمین قرار گرفته و وسایل زیادی روی آن قرار دارند. حفار و کارگران حفاری روی این صفحه، که میز دوار در وسط آن قرار دارد، کار می کنند.

Derrick man

دکل بان

در ایالات متحده آمریکا، کانادا و بسیاری از کشورهای دیگر دکل بان از نظر رتبه بعد از حفار بوده و در بعضی از دستگاه های حفاری ممکن است به عنوان معاون حفار در نظر گرفته شود. دکل بان روی سکوی ویژه ای (Monkeyboard)، کار می کند (سکوی کوچکی به ارتفاع یک سه شاخه لوله حفاری، تقریباً ۹۰ فوت) هنگام لوله بالا با در نظر گرفتن بالای لوله ها، آن ها را با نظم خاصی در تجهیزات ویژه ای که بدین منظور تعبیه شده، می چینند. موقع حفاری او مسوول مراقبت از سیال حفاری و مراقبت یا تعمیر پمپ ها و سایر وسایل مربوط به سیستم گل می باشد.

Desander

ماسه زدا

ماسه را از سیستم گل حفاری خارج می کند.

Desilter

سیلت زدا

دستگاهی که قادر است مواد جامد گل را از سیستم گل حفاری جدا کند. بدین صورت که گل حفاری از درون چاه روی الک لرزان ریخته شده و توسط پمپ مخصوص به درون این دستگاه وارد شده و در اثر نیروی گریز از مرکز، مواد جامد گل از سیستم گل حفاری جدا می شوند. این دستگاه در مجاورت الک لرزان قرار دارد.

Developed field

حوزه نفتی توسعه یافته

مخزن نفت یا گاز که توسعه یافته باشد. اقدام عملی جهت توسعه میدان، حفر چاه گسترشی است.

Development well=exploitation well

چاه توسعه ای، چاه بهره برداری

چاه نفت یا گاز که نقش توسعه دادن داشته باشد. بعد از موفق بودن چاه های اکتشافی و توصیفی، حفر می شود و هدف، بهره برداری از مخزن است.

Deviated hole

چاه انحرافی

چاهی که مسیر آن از امتداد شاقولی دارای انحراف باشد.

Deviation angle

زاویه انحراف

مقدار زاویه نسبت به امتداد شاقولی، در اکثر موارد مسیر چاه از امتداد شاقولی مقداری انحراف دارد.

Deviation recorder

انحراف نما، انحراف سنج

وسیله یا دستگاهی که می تواند انحراف چاه را از امتداد شاقولی نشان دهد. از این دستگاه، انواع مختلف وجود دارد.

Deviaigon survey

انحراف سنجی

اندازه گیری زاویه انحراف توسط دستگاه انحراف سنج یا سر وسیله دیگر میزان انحراف با نمودار C.D.R معین می شود.

Differential pressure

فشار تفاضلی، اختلاف فشار

اختلاف فشار بین فشار انتهایی چاه (حاصل از ستون گل) و فشار ته چاه که در اثر خروج سیال از سازند آخری وجود دارد.

Dip

زاویه شیب سازند

اگر لایه یا طبقه به صورت افقی نباشد، حتماً با افق زاویه ای می سازد که این زاویه را شیب یا زاویه شیب می نامند.

Dip log=Dipmeter log

شیب سنج

نموداری که هم زاویه شیب و هم جهت زاویه مزبور را در تمام نقاط چاه نشان می دهد.

Dipmeter

شیب سنج

نموداری که شیب لایه ها را نشان می دهد.

Dipmeter drilling

حفاری جهت دار

نوعی حفاری که در آن مسیر چاه با امتداد شاقول زاویه می سازد. برگردان های جهت و هدف به این دلیل انتخاب شده اند که چاه مزبور هدف مشخصی دارد و برای رسیدن به آن هدف باید جهت معینی نیز داشته باشد.

Discovery well

چاه اکتشافی

Displacement of mud

جا به جایی گل حفاری

جا به جایی گل حفاری مثلاً، جا به جایی آن با دوغاب سیمان در عمل سیمان کاری چاه

Disposal well (water-)

چاه دفعی، چاه دفع مواد زائد و بی مصرف

Dog house

اتاقک حفار، آلونک حفار

محل کار حفار و همکارانش در مجاورت سکوی برج که حاوی دستگاه هایی نظیر حفاری نگار و غیره است.

Drift angle

زاویه انحراف

زاویه انحراف مسیر چاه از امتداد شاقولی است.

Drill collar (d/e)

لوله سنگین ، لوله وزنی حفاری

لوله های سنگین حفاری که بالای مته بسته می شوند و اغلب دارای شیار در طول هستند.

Drill collar string

رشته لوله وزنی

به همه لوله های سنگین یا وزنی اطلاق می شود. واضح است که لوله های مزبور تک تک به طور تقریبی ۳۰ متر وجود دارند و اتصال آن ها به هم تشکیل رشته لوله های وزین را می دهد.

Drill out

حفر موانع درون چاهی

حفر مواد زائد و بیرون ریختن آن، مثلا، اگر سیمان در درون لوله جداری باشد. این سیمان یا هر ماده زائد دیگری حفر شده و به بیرون هدایت می شود.

Drill pipe (d/p)

لوله حفاری

لوله معمولی حفاری که بعد از ساق مته به درون مته فرستاده می شود. لوله های حفاری در بالای لوله های وزنی قرار می گیرند. هر تک لوله به طول تقریبی ۹ متر است و از اتصال سه شاخه به هم، لوله سه شاخه به وجود می آید.

Drill stem test (DST)

لایه آزمائی به ساق مته

یک روش متداول و بسیار مفید که اطلاعاتی در مورد فشار سازند، کیفیت و کمیت سیال درون سازند و غیره در اختیار می گذارد.

Drill string=Drill pipe string

رشته لوله ها، رشته لوله های حفاری

منظور از این اصطلاح مجموعه ابزار حفاری متشکل از تبدیل مته، مته، ضرب کوب، لوله چندبر، لوله های حفاری، لوله های وزنی و پاره ای از دیگر وسایل درون چاهی است.

Driller

حفار، چاه کن

حفار، مسئول حفاری است و ماشین آلات حفاری را به کار می اندازد. او زیر نظر مستقیم سرحفار است و بر تمام کارکنان سکو نظارت دارد. او و سایر کارکنان بین ۸ تا ۱۲ ساعت کار می کنند (که یک شیفت یا نوبت کار نامیده می شود) محل کارش روی صفحه برج یا سکوی برج در مجاورت آونک حفار می باشد. در پایان شیفت، به وسیله حفار دیگر و گروهش تعویض می شوند. حفار، دستورات کاری لازم را به سایر کارکنان گروه که ۵ یا ۶ نفر می باشند، می دهد. در بعضی از کشورها حفار دارای دستیاری (Assistant Driller) می باشد که بعد از او ارشد سکوی حفاری می باشد و گاه در طول شیفت به جای او کار می کند.

Drilling rate

میزان یا متر از حفاری

میزان حفاری، مثلاً، میزانی (عمقی) از حفاری که در یک ساعت انجام شده است.

Dry drilling

حفاری خشک

زمانی که هرزروی کامل گل صورت بگیرد و گل حفاری برگشت نداشته باشد.

E

Easy drill (e-zy-drill)

حفاری آسان

در اصطلاح حفاری به آن موانعی گفته می شود که به آسانی حفر می گردند. یک سری موانع به دلایلی در چاه نصب می شوند که هبعدها باید از سر راه برداشته شوند، اگر این موانع آسان حفر شوند، با اصطلاح بالا معرفی می شوند.

Edege well

چاه مرزی، چاه حاشیه ای مخزن

چاهی که در لبه یک مخزن نفت یا گاز قرار گرفته باشد.

Electrician

برق کار

برق کار دستگاه حفاری، کارهای تعمیراتی سیستم تولید و توزیع برق را انجام می دهد. تعمیرات جزئی ژنراتورها یا موتورهای الکتریکی، بازرسی سیم کشی برق و سایر ادوات برقی را به عهده دارد، ولی همه دستگاه های حفاری برق کار ندارند.

Elevator

بالابر، بالابر لوله ها ، بالا- پایین بر لوله ها

وسیله ای متشکل از دو بازوی موازی و دارای یک چنگک یا زبانه که می تواند لوله ها را در برگرفته و مثل آسانسور عمل نماید، یعنی، لوله ها و سایر وسایل را از کف سکو به طرف سر برج یا برعکس حمل نماید.

Estimated total string days

روزهای تخمین زده شده

تعداد روزهای حفاری، که قبلاً تخمین زده شده است. تعداد این روزها در برنامه چاه که به طور جداگانه از طرف اداره زمین شناسی و اداره حفاری نوشته میشود، پیش بینی می شود.

Exploitation well=development well

چاه استخراجی، چاه توسعه ای

تعریف چاه توسعه ای برای این اصطلاح هم صدق می کند.

Exploration well

چاه تحقیقاتی، چاه اکتشافی

اولین چاه در یک منطقه که هنوز وجود گاز یا نفت، در این منطقه ثابت نشده باشد و چنین چاهی به همین منظور حفر می گردد.

F

Field, oil/gas field

حوزه، میدان (نفتی و گازی)

درزمین شناسی نفت، یک منطقه حاوی نفت را گویند؛ مثلاً، یک ساختمان زمین شناسی که دارای ذخیره نفت یا گاز باشد که به ترتیب حوزه نفتی یا میدان گازی نامیده می شود.

Filter cake=mud cake

اندود صافی، لایه صافی

Float collar

طوقه شناور

لوله ای با طول کم که در بخش تحتانی لوله جداری نصب شده و دارای شیر یک طرفه است. این شیر مانع برگشت مایع به درون لوله حفاری می شود و در مواقع سیمان زنی از برگشت سیمان به درون لوله ها جلوگیری کرده و نفوذ سیمان را به درون چاه هدایت می کند.

Float shoe

کفشک شناور، پاشنه شناور

ابتدای رشته لوله ای جداری که درست در آخرین عمق چاه یعنی، عمق لوله جداری قرار می گیرند.

Float valve

شیر شناور

نوعی شیر که عبور سیال را فقط در یک جهت اجازه می دهد. از این نوع شیر در صنایع نفت، گاز و حفاری به وفور وجود دارد. این شیر در کلی، مته (لوله بالای مته)، کفشک جداری و تعدادی دیگر از وسایل وجود دارد.

Floating rig=Floater

دکل شناور، دل حفاری شناور

Floor=Derrick floor

سکو، طبقه، سکوی برج حفاری

سکوی برج حفاری را نامند. درضمن به عنوان صفحه، کف، طبقه نیز به کار می رود.

Floor (derrick-)

سکوی برج، سکوی برج حفاری

Floor man=Floorman

کارگر سکو، کارگر سکوی برج حفاری

کارگرساغل و فعال روی سکوی برج حفاری را می رساند که با این اصطلاح نیز مشخص می شود.

Flowing well

چاه جریانی، چاه سرکش

چاهی که درحال فوران است. عموماً منظور از این اصطلاح این است که چاه تحت کنترل نیست، مگر در آزمایش هایی که مدت زمان فوران کوتاه باشد که به منظور انجام برخی تست ها می باشد.

Flow line (mud-)

ناودان گل، ناودان گل حفاری

لوله ای نسبتاً قطور که از زیر فوران بند حلقوی تا ابتدای غربال کنده ها کشیده شده و گل حفاری با تمام محتویاتش از درون این لوله عبور می کند.

Foam

کف، کف صابون، گل کفی

این واژه معرف نوعی گل حفاری است که به طور عمده آزمایشی شبیه صابون و هوای فشرده تشکیل شده است. این سیال فشرده درسازندهای متخلخل و بیش تر شکاف دار و در عین حال کم فشار استفاده می شود. یکی از معایب بزرگ این سیال حفاری آن است که زمان تاخیر را نمی توان با فرمول های متعارف محاسبه نمود و اصولاً امکان محاسبه زمان دیرکرد وجود ندارد و کار زمین شناس به مراتب سخت تر می شود. نتیجه این که نمونه گیری متداول و ضروری امکان ندارد.

Free point

محل آزاد

آن نقطه از لوله های گیر افتاده که آزاد است. پایین این محل لوله هایی گیر کرده اند و بالای این نقطه لوله ها آزاد هستند.

Free point indicator (FPI)

آزاد یاب، نقطه آزاد یاب، شاخص نقطه آزاد

دستگاهی که موقع گیر افتادن لوله ها مورد استفاده قرار می گیرد و قادر است محل آزاد لوله ها را تشخیص دهد.

G

Gain(to)

افزایش یافتن (حجم)، اضافه شدن

نفوذ سیال سازند (گاز، نفت یا آب) به سیستم گل حفاری که در سطح زمین در گل حفاری محسوس باشد، به عبارت دیگر حجم گل حفاری در اثر اضافه شدن سیال سازند به آن، افزایش می یابد.

Gain

افزایش، افزایش (حجم گل حفاری)

افزایش حجم گل حفاری در اثر نفوذ سیال سازند نظیر گاز، نفت یا آب به سیستم گل حفای، نقطه مقابل این پدیده، کاهش حجم گل حفاری است.

Gain of mud=mud gain

افزایش (حجم) گل حفاری، افزایش گل

افزایش یافتن حجم گل حفاری از طریق نفوذ سیال سازند (گاز، نفت یا آب) به سیستم گل حفاری.

Gas cap

گنبد گاز، کلاهک گازی

تجمع گاز در قسمت بالای یک مخزن (روی نفت) در بالاترین قسمت طاق‌دیس، یعنی، گاز به صورت مستقل روی نفت یا آب قرار گیرد نه به صورت محلول در نفت.

Gas cut

برش گاز، اثر گاز

نفوذ گاز به درون یک سیستم و موثر افتادن آن، مثلاً، نفوذ گاز در درون گاز حفاری.

Gas cut mud=gcm

گل حفاری بریده توسط گازچاه، گل آغشته به گاز، گل گاز زده نفوذ گاز ازسازند به گل حفاری و سبک نمودن گل، که باید چاره سازی شود.

Gas injection well or gas input well

چاه تزریق گاز، چاه تزریقی گاز چاهی که از آن گاز به مخزن تزریق می کنند تا فشار مخزن حفظ یا بالا رود.

Gas lift

بهره برداری با گاز، فراز آوری با گاز چاهی که در آن گاز تزریق می کنند تا در اثر ازدیاد فشار بتوان بهره دهی با صرفه تری انجام داد، در این حالت، استخراج توسط نیروی رانش گاز صورت می گیرد.

Gas show

نشان گاز، اثرگاز مشاهده گاز در حین حفاری چاه، که مقدار و فشار آن نسبت به فوران گاز بسیار کم است.

Grapple

قلاویز، قلاویز مانده گیر یا مانده کش یک نوع وسیله برای مانده یابی. این نوع وسیله درموقع بیرون آوردن لوله گیر کرده درچاه مورد استفاده دارد.

Guide shoe

کفشک راهنما، پاشنه راهنما بخش جلویی ابزار چاه، که ساختمان خاصی داشته و در داخل شدن لوله به درون چاه نقش راهنما را دارد، نظیر کفشک جداری.

Gypsum=Gyp

گچ ، سنگ گچ سولفات کلسیم با دو ملکول آب که بدون آب در ترکیب شیمیایی آن، انیدریت نامیده می شود؛ هردو جزء رسوبات زمین شناسی بوده و در مخازن به عنوان پوشش سنگ نقش عمده ای دارند.

H

High pressure

فشار زیاد، فشار بالا

فشار موجود در یک پدیده طبیعی ، نظیر مخزن یا یک دستگاه که در حد نسبتاً بالایی باشد. فشار زیاد مخزن یکی از امتیازات بزرگ حوزه نفتی است.

Hole (deviated-)=side tracked hole

چاه مایل ، چاه کج، چاه انحرافی

چاهی که در مسیر خود از امتداد شاقولی انحراف داشته باشد. به این صورت که این کج شدگی عمدی بوده و هدف و منظور خاصی از این امر دنبال می شود. نکته مهم این است که این چاه از پهلوی چاه قبلی می گذرد.

Hole (inclined-) =deviated hole

چاه مایل، چاه گج، چاه انحرافی

Hole (straight)

چاه راست، چاه مستقیم چاه عمودی

مسیر این چاه مستقیم بوده وانحراف ندارد یا انحراف آن از مسیر شاقولی بسیار ناچیز است.

Hole (vertical-)

چاه عمودی، چاه شاقولی

چاهی که مسیر آن منطبق با امتداد قائم یا روشن تر و درست تر با امتداد شاقولی باشد.

Hole opener

چاه بازکن، چاه گشاد ساز

وسیله ای که می تواند نقاط باریک و تنگ چاه را گشاد نموده و قطر چاه را به حالت اولیه برگرداند. بعضی مواقع قطر چاه در اثر ریزش لایه ها و به هم آمدن سازندها تنگ می شود.

Hook (rotary-)

قلاب دورانی، قلاب چرخشی

وسیله ای به شکل قلاب که بین جعبه قرقره متحرک و بالابر واقع شده و چنان چه از اسم آن پیداست، حکم قلاب را دارد.

Hopper

آخورک

ظرف نسبتاً بزرگی به شکل قیف، که از وسایل سیستم گل حفاری است و درمجاورت مخازن گل قرار دارد. مواد خشک گل حفاری را در آن می ریزند و مواد مزبور بعد از مخلوط شدن با آب به طرف مخازن گل هدایت می شوند.

Hose

شیلنگ گل حفاری، لوله خرطومی گل

لوله ای از جنس پلاستیک ولی بسیار محکم، که گل حفاری از درون آن عبور می کند. لوله خرطومی بین لوله ایستای گل و مفصل گردان بالای کلی قرار دارد.

Hose (rotary)

شیلنگ دورانی، خرطومی دورانی

منظور همان لوله خرطومی گل حفاری است.

Hydrill

فوران گیر، فوران گیر دالیزی ، فوران گیر حلقوی

نوعی فوران گیر، دستگاهی بزرگ، سنگین و شبیه استوانه، که در بالای دستگاه ضد فوران و در زیر صفحه حفاری قرار دارد. داخل آن لاستیک های زیادی تعبیه شده و برای جلوگیری از فوران به کار می رود، به هنگام فوران، لاستیک های درونی می توانند فضای حلقوی را ببندد.

I

infilling well=Intermediate well

چاه واسطه

چاهی که در زمره چاه های گسترشی یا توسعه ای که بین چاه های مزبور حفر می گردد و هدف از آن بهره برداری و تولید بیش تر از مخزن است. چاه توسعه ای با فاصله کم تر از حد معمول از چاه های توسعه ای مجاور است.

Injector

تزریق کننده، انژکتور

وسیله ای نظیر تلمبه یا پمپ تزریق، که قادر باشد عمل تزریق را انجام دهد. انژکتور نیز نامیده می شود.

Inside diameter

قطر درونی ، قطر داخلی

ابزار و لوله ها دارای دو قطر هستند که یکی قطر داخلی و دیگری قطر خارجی نامیده می شوند.

Intake well

چاه تزریقی

چاهی که در آن سیال تزریق می کنند تا تولید آن در اثر ازدیاد فشار که توسط تزریق ایجاد شده است. امکان پذیر گردد.

J

Jack

بالابر بالاکش، بالابرنده، بالاکشنده

توسط آن می توان اجسام سنگین را بلند نمود. از ویژگی بالابر مزبور حالت دندانان یا زبانه ای است که در تحمل وزن سنگین نقش دارد.

Jar

ضربه کوب، میله کشویی، جار

لوله ای به شکل استوانه، به طول چندین مترو قطرهای متفاوت که با داشتن ساخمان درونی خاص می تواند به هنگام ضربه خوردن، تا اندازه ای در خود فرو رود و مانند کشو عمل می نماید. از این خاصیت به هنگام آزاد سازی لوله های گیر کرده استفاده می شود.

Jarring

ضربه کوبیدن

آزاد ساختن لوله های گیر کرده، به این ترتیب عمل می شود که از روی سکوی برج و با استفاده از فرمان برج حفاری روی لوله های گیر کرده، ضربه وارد شده و این کوبیدن ها و اعمال وزن و فشار بر ضربه کوب نیز اثر کرده و در نتیجه ضربه کوب مانند کشو عکس العمل نشان می دهد و این حرکت رفت و برگشت ضربه کوب می تواند باعث آزاد شدن و رها شدن لوله های گیر کرده شود.

Jet

فواره

وسیله ای کوچک که معمولاً در حفره یا سوراخ های مته قرار می گیرد و هدف از این کار تنگ نمودن سوراخ های حفره مته است که گل حفاری با فشار و سرعت بیش تر، از مته خارج شده و انتقال گل حفاری و کننده ها را سریع تر عملی سازد.

Jet nozzle

دهانه فواره

وسایلهای به شکل استوانه با سوراخ یا روزنه ای در وسط که در سوراخ مته نصب می گردد تا در اثر تنگ تر شدن سوراخ مته ، فشار گل حفاری در حال خروج از سوراخ ها بیش تر شود.

Joint (drill pipe)

یک شاخه لوله حفاری، تک شاخه لوله حفاری

Joint (tool)

مفصل لوله، محل اتصال لوله

محل اتصال دو شاخه لوله حفاری را گویند.

Junk sub

طوقه خرده فلزات ، طوقه خرده آهن

وسایله ای به طول کم تر از یک متر که از دو استوانه تو در تو تشکیل شده و جهت بیرون آوردن خرده فلزات مانده در کف چاه، به کار می رود.

K

Kelly

لوله کارگر، کلی، لوله چند ضلعی، لوله چندبر

لوله ای به طول تقریبی ده متر که در سطح خارجی شش یا چهار گوش منظم است و درون آن خالی است که مخصوص عبور گل حفاری است. ساختمان چند ضلعی کلی به منظور برقراری اتصال محکم آن با صفحه دوار است که با چرخش صفحه دوار این لوله نیز به چرخش درآمده و در نهایت تمام ساق مته و خود مته وادار به چرخش می شوند.

Kelly bushing

بوشینگ کلی، بوشینگ لوله کارگر

اصطلاح معمول بوشینگ مربوط به لوله کارگر که زائده ها یا برجستگی های میخ مانند آن در روزنه های صفحه دوار فرو رفته و به محض چرخیدن صفحه، بوشینگ کلی و متعاقب آن خود کلی به چرخش درمی آید.

Kelly cock

شیر یک طرفه ، شیرایمنی کلی

بخشی از کلی که در قسمت فوقانی کلی بوده و حالت مدور دارد. این بخش از کلی دارای شیر یک طرفه است که عبور گل حفاری را فقط از کلی به سمت چاه هدایت می کند و اجازه برگشت نمی دهد.

Kelly rat hole

سوراخ کلی، حفره کلی، حفره لوله کارگر

محفظه ای که کلی در مواقع غیر ضروری در آن جای داده می شود. حدود یک متر از این محفظه یا سوراخ کلی در بالای سکو و بقیه در زیر سکو واقع شده است.

Kick (to)a well

ضربه زدن یا لگد زدن چاه، سر ریز شدن چاه، خارج شدن نفت یا گاز

در حین حفاری چاه، گاه نفت یا گاز از سازند به چاه نفوذ کرده و به همراه گل حفاری به سطح زمین می رسد. به اصطلاح، چاه خود را نشان می دهد. بیش تر، خارج شدن گاز از سازند با این لغت بیان می شود و از لحاظ مقدار گاز و شدت آن باید گفت که از حالت خروج گاز و فوران گاز به مراتب ضعیف تر است.

Kick (gas)

ضربه گاز، ضربه گازی، ضربه گاز چاه
چاه از خود گاز خارج می سازد و به اصطلاح چاه ضربه (گازی) می زند.

Kick off(to)

حفاری مجدد، دوباره حفاری کردن، کج کردن، منحرف ساختن

بخشی از فاصله حفاری شده چاه (از کف چاه به بالا) دوباره حفاری می شود. به عنوان مثال، تعدادی لوله در چاه گیر کرده و عمل مانده یابی موفق نمی شود. در این صورت چاه از ابتدای مانده تا عمق نهایی از سیمان پر می شود و دوباره از ابتدای مانده شروع به حفاری می کنند به طوری که مسیر دوم دارای انحراف از مسیر اول چاه باشد. به این ترتیب از مقدار یا بخشی از چاه که حفاری شده بود، صرف نظر نموده و همان فاصله را (از ابتدای مانده تا ته چاه) البته، در مسیر دیگر حفاری می کنند. این عمل همان حفاری کج است. برگردان «دوباره» به همین سبب است که بخش انتهایی چاه دوباره حفاری می شود.

Kick off a well

حفاری مجدد چاه، حفاری انحرافی چاه

Kick off point=k.o.p

نقطه انحراف، نقطه حفاری مجدد، نقطه حفاری دوباره

بیان شد که حفاری مجدد چاه از عمقی که قبلاً حفاری شده بود، دوباره شروع می شود و این عمق یا نقطه می تواند ابتدای مانده باشد، حال همین عمق یا نقطه که ابتدای مسیر دوم چاه است با عبارت فوق مشخص می شود.

Kill(to) a well

کشتن چاه، کشتن فوران، مهار چاه

مقابله کردن با فوران چاه و خنثی نمودن آن که به تعبیری همان کشتن فوران یا کشتن چاه است.

Kill line

خط کشتن، خط کشتن فوران، خط لوله فوران کشی

خط لوله یا خطوط لوله که بین تلمبه یا پمپ های گل حفاری و چاه نصب شده و وظیفه آن هدایت گل سنگین به درون چاه است. گل حفاری سنگین از درون لوله مزبور به درون چاه تلمبه می شود تا فوران چاه کشته شود.

Knuckle joint

مفصل انحرافی ، لولا مفصلی

وسیله ای می تواند ابزار متصل به خود را کج نگهدارد که، از امتداد شاقولی منحرف باشد، مورد استفاده آن در حفاری انحرافی یا حفاری جهت دار است. این وسیله در بالای مته نصب می شود.

L

Lay down (pipe)

لوله چینی، لوله چیدن

قراردادن لوله های حفاری یا هر لوله دیگری در مجارت برج، روی جایگاه لوله ها . دراین صورت لوله ها روی این جایگاه مخصوص به صورت افقی قرار دارند.

Liner

لوله آستری، لوله آویزه

ابتدای این لوله دربخش انتهایی لوله جداری قرار گرفته که قسمت مشترک را آویزه آستری گویند. پشت این لوله آستری نیز نظیر لوله جداری سیمان می شود. لوله آستری دربخش انتهایی چاه نصب می شود.

Liner hanger

آویزه لوله آستری، آویزه آستری

وسیله ای که قادر است لوله آستری را به لوله جداری متصل کند.

Liner lap

لبه آستری، کنار یا لبه لوله آویز آستری، لبه آویزه

آن مقدار از لوله آستری که دربخش انتهایی لوله جداری قرار دارد.

liner lap test

آزمون لبه آستری

آزمایشی که مشخص می کند آیا کناره آستری محکم و غیر قابل نفوذ است یا نشتی ندارد. این آزمایش توس توپک مخصوصی انجام می گیرد.

Loss of circulation

هرزروی گل، هرزروی گل و محتوای آن

نفوذ گل حفاری و محتوای آن یا هر سیال دیگری به درون سازند از طریق خلل و فرج و شکاف های لایه های حفر شده در این فرآیند کاهش حجم گل به وجود می آید که باید چاره سازی شود.

Loss circulation material (LCM)

مواد ضد هرزروی ، مواد بازدارنده هرزروی

موادی که به گل حفاری اضافه می کنند تا از هرزروی گل جلوگیری کنند. مهم ترین این مواد عبارتند از: پوست گردو، فندق، شیشه معدنی، پوست صدف، میکا، الیاف ، نوعی پشم شیشه، خرده لاستیک یا هر چیز سبکی که بتواند در منافذ سنگ جای گیرد.

Lost returns(=complete loss)

هرزروی کامل گل، گم شدن گل و محتوای آن

هرز رفتن کامل گل حفاری و محتوای آن در منافذ و شکاف های سازند، به نحوی که اصلاً گل حفاری به سطح زمین برنگردد. به طور طبیعی در این زمان نمونه سازند یا کنده ها هم به دست نمی آید. این وضعیت برای مسوولین چاه به خصوص برای زمین شناس بسیار نامطلوب است.

M

Manifold (choke-)

چند راهه، چند شاخه

دستگاهی متشکل از لوله ها و شیرهای زیاد که در موقع بسته بودن دستگاه جلوگیری از فوران می تواند گردش گل حفاری را کنترل نماید. این مجموعه در مجاورت دستگاه جلوگیری از فوران، روی زمین نصب می شود.

Mill (to mill)

آسیاب کردن، حفاری آهن آلات

به حفاری مانده های آهنی مثل لوله های گیر کرده، سرمته یا هر مانع آهنی دیگر که قابل بیرون آوردن از چاه نباشند، گویند.

Mixer

مخلوط کن، مخلوط کننده، هم زن

هروسيله که توسط آن بتوان چندین ماده حل شدنی یا حل نشدنی در آب یا سایر مایعات (گل حفاری) را با یک دیگر مخلوط نمود.

Monkey board

جای برج بان، سکوی برج بان

جایگاهی که برج بان در آن جا ایستاده و درموقع بیرون آوردن لوله ها می تواند این لوله ها را در حالت عمودی قرار دهد. انتهای دیگر لوله ها روی کف برج قرار می گیرد.

Motorman

کمک مکانیک

وی عموماً مسئولیت موتورها، سوخت موتورها و تجهیزات کمکی از قبیل ژنراتورها، کمپرسورهای هوا، پمپ های آب و سایر وسایل مربوط را به عهده دارد. او بازرسی روغن و گاهی تعمیرات جزئی موتورها را انجام می دهد ولی برای تعمیرات اساسی، عموماً یک مکانیک به کارگرفته می شود.

مکانیک (Mechanic) دستگاه حفاری، در صورتی که جزء سازمان کارکنان دستگاه حفاری باشد، تا آن جا که به اجزاء مکانیکی دستگاه حفاری مربوط می شود همه کاره می باشد. او ممکن است تعمیرات جزئی موتورها، پمپ های کوچک و سایر ماشین آلات دستگاه حفاری را انجام دهد.

Mouse hole

سوراخ لوله حفاری، محفظه لوله حفاری

حفره ای به ارتفاع یک لوله حفاری که بین سکو و سطح زمین قرار گرفته و به منظور جای دادن یک لوله حفاری به کار می رود.

Mud balance

ترازوی گل

دستگاهی که برای اندازه گیری وزن گل حفاری بر حسب پوند بر فوت مکعب به کار می رود. در این دستگاه به اندازه ۱۵۰ سانتی متر مکعب گل ریخته و وزن گل را بر حسب پوند بر فوت مکعب به دست می آید.

Mud box=Mud saver

گل گیر

استوانه جعبه شکل که در امتداد طولی باز و بسته می شود. این جعبه به طول تقریبی دو متر است که روی صفحه برج دکل به طور آویزان قرار دارد. هنگام بیرون آوردن لوله در محل اتصال لوله ها، لوله را دربر می گیرد تا در موقع باز شدن لوله ها، گل حفاری محیط اطراف را آلوده نکند.

Mud cake

لایه گل یا اندود گل ، رسوب مواد جامد گل بر دیواره چاه

Mud conditioning

بازسازی گل حفاری، بهسازی گل

هر نوع عمل که منجر به بهتر شدن کیفیت گل حفاری گردد این عمل به تکرار سرچاه انجام می گیرد. هر چه وضعیت گل حفاری بهتر باشد، حفاری سهل تر انجام می گیرد. بسیاری از چاه ها در اثر گل نامناسب صدمه جبران ناپذیر دیده اند.

Mud coolie

کارگر گل، کارگر گل حفاری

کارگر مخصوص گل حفاری است؛ معمولاً کارگر غیر ماهر را گویند.

Mud engineer

گل شناس، (مهندس، متخصص، خبره) گل

مسئول گل حفاری سرچاه، گل، در حفاری اهمیت بسزایی دارد. گل شناس یا مهندس گل از مسئولین درجه اول در امر حفاری چاه است.

Mud engineering tools

لوازم گل، لوازم گل حفاری، ابزارمهندسی گل

گل حفاری که در امر حفاری از اهمیت بسزایی برخوردار است، دارای تعدادی لوازم و ابزار می باشد. از مهم ترین ابزار می توان ترازوی گل، کیف گرانونوی، هیدروژن سنج، غلظت سنج و دستگاه اندازه گیری اندود گل و هرزروی آب را نام برد.

Mud hose

شیلنگ گل، شیلنگ گل حفاری، لوله خرطومی گل حفاری

لوله ای از جنس پلاستیک ولی بسیار مقاوم که در مسیر عبور گل بین لوله ایستای گل، مفصل گردان و کلی قرار دارد.

Mud loss

افت گل، کاهش گل حفاری

اگر گل حفاری در لایه های حفر شده نفوذ کرده و به درون لایه ها راه یابد، این پدیده با عبارت کاهش گل بیان می شود که باید از آن جلوگیری شود.

Mud pit

حوضچه گل، باتلاق گل

گودال بزرگی که در مجاورت برج حفاری، کنده و آماده می شود تا آب و گل حفاری اضافه در آن جا ریخته شود. معمولاً در مجاورت الک لرزان است که کنده های حفاری و سایر مواد جامد گل حفاری هم به درون آن ریخته می شوند.

Mud pump

تلمبه گل، پمپ گل حفاری

این دستگاه می تواند گل را با فشار زیاد وارد لوله ها بکند.

Mud salinity

شوری گل، درجه شوری گل حفاری

در کنار وزن گل و گرانیروی آن ، درجه یا مقدار شوری گل نیز باید مناسب با وضعیت حفاری لایه ها و سازندها باشد. اگر لایه نمکی در چاه باشد، باید در حین حفاری آن لایه، گل حفاری، از نمک، اشباع شده باشد.

Mud solid

مواد جامد گل

مواد جامد گل حفاری که به صورت معلق در گل قرار دارند و توسط دستگاه های سیلت زدا و ماسه زدا از سیستم گل خارج می شوند.

Mud tank

حوض گل، مخزن گل حفاری، تانک گل

تانک بزرگ گل که در مجاورت برج حفاری قرار دارد. گل حفاری در این مخزن نگهداری می شود.

Multiple completion

تکمیل چند قلو، تکمیل چند گانه

زمانی انجام می گیرد که در یک چاه از چندین لایه (مخزن) به طور هم زمان استخراج شود.

N

Normal circulation

گردش عادی، چرخش عادی گل حفاری

گردش عادی گل حفاری را می‌رساند، لغت عادی به دلیل مسیری است که طی می‌کند؛ یعنی، از تانک گل به درون لوله گل، سپس به درون شیلنگ گل، بعد داخل لوله کارگر و از آن جا به درون لوله های حفاری تا بالاخره از طریق سوراخ های مته به انتهای چاه وارد شده و از انتهای چاه در جهت سربالایی به سطح زمین می‌رسد، که این مسیر همان فضای حلقوی نام دارد. گردش معکوس گل حفاری نیز وجود دارد که در انتهای تست لایه آزمایشی انجام می‌گیرد.

Normal formation pressure

فشار عادی سازند، فشار معمولی سازند

منظور فشار سازند است، این حالت معمولی و عادی دارد که نه کم تر از حد متعارف است و نه زیادتر از میزان عادی.

Northing

مختصات شمالی یک نقطه

در علم نقشه برداری، عبارت است از اختلاف عرض جغرافیایی که به طرف شمال جغرافیایی اندازه گیری می‌شود، به کمک این خصیصه به اضافه مختصات شرقی (Easting) که توسط اداره نقشه برداری تعیین می‌گردد، می‌توان محل چاه را روی نقشه های جغرافیایی و زمین شناسی مشخص نمود.

Nozzle

دهنه، شیپوره، افشانک، دهنه، شیپوره جت

روزنه در ابزار، مانند سوراخ های مته که به جهت خروج گل حفاری تعبیه شده اند. اگر سوراخ مزبور دارای فواره باشد، در اصطلاح، سوراخ فواره ای نامیده می‌شود.

Nozzle of the bit

دهنه مته، شیبوره مته

مته دارای تعدادی (معمولاً ۳ تا) سوراخ است که گل حفاری یا هر سیال دیگر از آن ها عبور می نماید، در مواقع ضروری وسیله ای به نام فواره در آن نصب می کنند تا در اثر باریک شدن روزنه، گل حفاری با فشار بیش تر به ته چاه پاشیده شده و کنده ها سریع تر به سمت بالا حرکت داده شوند.

Nut

گردو و فندق، میوه هسته دار، مهره

۱ - به معنای هر نوع میوه شبیه گردو فندق و بادام است که دارای پوسته و هسته باشند که جزو مواد بازدارنده هرزروی گل حفاری هستند.

۲- مهره که در پیچ در اثر چرخش جای می گیرد. مهره دارای شیارهایی هست که درون شیارهای پیچ مناسب خود جای می گیرد.

Nut and bolt

مهره و پیچ، پیچ و مهره

O

Observation well

چاه مشاهده ای

چاهی که استفاده از آن فقط منوط به مشاهده وضعیت چاه از جمله فشار چاه، سطح تماس آب و نفت، یا گاز است.

Observe(to)well

مشاهده کردن چاه، مشاهده نمودن چاه

مفهوم دیگر، مشاهده درحین حفاری است و هدف از این کار، این است که آیا در چاه افزایش یا کاهش حجم گل حفاری وجود دارد یا خیر.

Offset well

چاه مرزی، چاه حاشیه ای

چاه تولیدی است که نسبت به میدان نفتی مجاور یا حتی کشور همسایه درکنار حوزه نفتی قرار گرفته باشد. بیش تر درمورد کشورهایی به کار می رود که می توانند میادین مشترک داشته باشند و چاه های کناری یا مرزی و حاشیه ای درچنین مواردی مصداق دارند.

Offshore drilling

حفاری آبی، حفاری دریایی، حفاری دردریا

حفاری در آب است که می تواند دریاچه، دریا یا خلیج و حتی اقیانوس باشد و همچنین حفاری در ساحل که درمنطقه آبی حفاری شود.

Offshore drilling platform

سکوی حفاری آبی، سکوی حفاری دریایی

سکوی حفاری مخصوص حفر چاه درآب (دریاچه، دریا، خلیج و اقیانوس).

Oil base mud

گل نفت پایه، گل پایه روغنی

گل حفاری که در آن از نفت (گازوئیل) به جای آب استفاده می کنند. البته، این نوع گل به مقدار کم، آب دارد. از این گل درموقع هرزروی گل حفاری استفاده می کنند. از مزیت های این نوع گل حفاری، آسان نمودن امر حفاری، ممانعت از هرزروی گل، و از خصوصیات نامطلوب این گل مشکل نمودن تشخیص مواد هیدروکربن در نمونه سنگ می باشد.

Oil cut mud=OCM

گل نفت آلود، گل نفت زده، گل نفتی، گل بریده با نفت

گل حفاری که نفت خام روی آن تاثیر محسوس گذاشته باشد؛ یعنی؛ نفت خام از سازند در گل مزبور نفوذ کرده و خصوصیات گل حفاری از جمله وزن گل را کاهش داده باشد یا هر تغییر دیگری حاصل از نفوذ نفتی را می رساند. در ضمن، گاز نیز مثل نفت می تواند درگل حفاری نفوذ کند که در آن موقع، گل گاز زده نامیده می شود.

Oil field

میدان نفتی، حوزه نفتی، منطقه نفتی

بخشی از زمین یا ساختمان زمین شناسی که دارای ذخیره نفتی باشد که البته، منظور در حد اقتصادی و قابل بهره برداری است.

Oil saver

نفت بند، دستگاه نفت بند

دستگاهی است مانع از خروج نفت به خارج از چاه می گردد و استفاده از آن در مواقع بررسی یا تغییر چاه است. به عنوان مثال، در زمان بررسی چاه و به طور مشخص برای اندازه گیری فشار چاه که لوازم و دستگاه های مربوط به درون چاه فرستاده می شوند تا فشار چاه مشخص شود، این دستگاه از خروج نفت به بیرون جلوگیری می کند و در نتیجه فشار اندازه گیری شده می تواند مبین فشار حقیقی مخزن باشد.

Oil seepage

چشمه نفتی، تراوش نفت، نشت نفت

ظاهر شدن نفت در سطح زمین به شکل چشمه، که همین پدیده باعث کشف اولین چاه های نفت شد.

Oil stain

اثر نفت، لکه نفت، آغشتگی نفت

آغشته شدن موادی نظیر گل حفاری به ویژه کنده های حفاری به نفت، که جزء نشانه های وجود نفت در سازند است.

OPEC

سازمان کشورهای صادرکننده نفت

Organization of Petroleum Exporting Countries

Ouside diameter

قطر خارجی، قطر بیرونی

Overburden pressure

فشار لایه های فوقانی، فشار رو، فشار رویی

منظور فشاری است که لایه ها و سازندهای بالایی، روی لایه یا سازند زیری اعمال می نمایند که در زمین شناسی نفت و علوم نزدیک به آن از ویژگی های قابل بررسی است و در ایجاد هیدروکربن نقش مهمی دارد.

P

Packer

توپک، مجزابند

لوله ای به شکل استوانه‌های با لاستیک و بخش‌های منبسط‌شونده که در هنگام تست لایه آزمایشی یا آزمایش سر لوله آستری مورد استفاده قرار می‌گیرد. توپک، ارتباط بالا و پایین خود را قطع می‌کند.

Penetration rate

آهنگ حفاری، سرعت حفاری

مقدار حفاری شده که به فوت یا متر بیان می‌شود و در اصل همان سرعت حفاری است.

PH-value

مقدار پی.اچ، لگاریتم غلظت یون هیدروژن در مایع

در حفارچاه، منظور از ذکر این فاکتور علمی اهمیت آن در گل حفاری است که باید مقدار آن بین ۷ و ۱۴ باشد؛ یعنی، باید محیط بازی یا قلیایی باشد. اگر محیط اسیدی باشد، می‌تواند لایه‌های آهکی و هرگونه لایه آهک‌دار را در خود حل نماید.

Pill

پیل، گل غلیظ، گل حفاری غلیظ

گل حفاری غلیظ را می‌رساند که برای مقابله با فوران چاه به کار می‌رود. پیل انواع مختلف دارد که دو نوع آن متداولند. یکی با گرانی کمی و دیگری با گرانی زیاد یا بالا.

Pin

نرینه، رزوه نر

یکی از متداول‌ترین آلات فنی که به شکل انواع استوانه‌ای یا مخروطی بوده و در سطح خارجی دارای شیار حلزونی است و در محل مخصوصی به نام مادینه یا رزوه ماده جای می‌گیرد.

Pipe rack

پایه لوله ها، جایگاه لوله ها، محل لوله

ستونی به شکل مثلث که در محل چاه به عنوان جایگاه لوله ها مورد استفاده است. اکثراً لوله های جداری روی این پایه ها قرار داده می شوند.

Pipe rams

پیستون فوران گیر، شیر فوران گیر

یک بخش از شیرهای فوران گیر، که با بسته شدن آن از فوران ناخواسته چاه جلوگیری می شود.

Plug backn

مسدود کردن، پرکردن

مسدود نمودن چاه در نقطه ضروری، این کار می تواند دلایل زیادی داشته باشد. بعضی مواقع لازم است که حفاری را تا مدتی متوقف کنند که در این مواقع یک مانع در چاه گذاشته و تا حفاری بعدی، چاه به همین ترتیب رها می شود. یا اگر عمل مانده یابی با عدم موفقیت روبه رو شود، در این موقع چاه را تا آن نقطه مسدود کرده و با نصب مانع سیمانی، حفاری را با زاویه ای از آن محل ادامه می دهند که چاه انحرافی نامیده می شود.

Pore pressure منفذ

فشار منفذ، فشار سیال خلل و فرج، فشار در

فشار سیال موجود در منافذ است که همان فشار مخزن است.

Pressure indicator

فشارنما، فشار سنج

بازسازی فشار، حفظ فشار pressure maintenance

فرآیندی که هدف آن حفظ فشار مخزن باشد.

Pressurizing

فشار افزایی، ازدیاد فشار

روش هایی که منجر به افزایش فشار یک مخزن شوند، از جمله تزریق آب نمک و تزریق گاز.

Pressure (bottom hole-)

فشار ته چاه، فشار کف چاه

معمولاً فشار مخزن با افزایش عمق زیادتر می گردد لذا فشار درته چاه بیش تر از اعمال بالایی است.

Pressure (formation)

فشار سازند، فشار سیال سازند

Production Liner

لوله آستری تولید، آستری بهره برداری

Psi=pound per square inch

پام(مخفف)

علامت اختصاری بالا که از به هم پیوستن حروف اول کلمات حاصل می شود (فشار یا نیرو برحسب پوند بر یک اینچ

مربع، پام)

Pull to

بیرون کشیدن، خارج کردن

بیرون کشیدن ابزار، وسایل و هر چیزی که از یک محل مثل خارج ساختن لوله ها از درون چاه.

Pull a well

بیرون کشیدن لوله از چاه، خارج ساختن لوله از چاه

بیرون آوردن لوله ها از چاه، به عنوان مثال، خارج کردن لوله های مغزی از درون چاه.

Pull casing

خارج ساختن جداری ، بیرون کشیدن لوله جداری از چاه

Pulling tool

بیرون کشیدن ابزار، خارج ساختن وسایل

خارج نمودن ابزار از درون چاه، به عنوان مثال، مانده را توسط ابزار مانده یابی از درون چاه بیرون کشیدن.

Pulling unit

دستگاه بیرون کش، واحد خارج ساز
دستگاه و ابزاری که برای خارج ساختن ابزار از درون چاه به کار می روند.

Pull out(to)

بیرون کشیدن، خارج ساختن، بیرون آوردن
خارج ساختن ابزارآلات و وسایل از جمله لوله های حفاری از درون چاه.

P.O.H (Pull Out of the Hole)

خارج کردن ابزار از چاه لوله بالا، بیرون آوردن وسایل از درون چاه

Put a well on

فوران چاه، تولید یا بهره برداری چاه
فوران دادن چاه یا تلمبه نمودن آن به منظور استخراج سیال از چاه.

Q

Quiet well

چاه آرام، چاه ساکت

چاه نفت یا گاز که فشار ناخواسته و مزاحم نداشته باشد. برعکس چاه فورانی یا بدتر از آن چاه وحشی ، که فشار مزاحم ناخواسته دارند.

R

Ram(s)

فوران بند، فوران گیر

نوعی شیر در دستگاه فوران گیر سر چاه که درموقع فوران ناخواسته نفت یا گاز از چاه به منظور جلوگیری کردن از فوران مزبور به کار می رود.

Rate of drilling=ROD=drilling rate=dr

سرعت حفاری، میزان حفاری

مقدار یا میزان حفای که می توان متر از حفاری نامید. مقدار حفاری مثلاً دریک ساعت یا یک روز که از نظر اقتصادی حائز اهمیت است.

Rate of flow=flow rate

سرعت فوران ، مقدار جریان

مقدار فوران، جریان نفت و گاز، که در واحدهای مختلف می تواند عرضه گردد.

Rate of penetration (ROP)=penetration

سرعت حفاری، میزان حفاری، مقدار کندن

(درواحدهای مختلف طول مثل متر یا فوت)

Rat-hole=to rat-hole

تنگ نمودن، کاهش قطر چاه

تنگ نمودن حفره، قطر یک چاه را می توان در اثر قراردادن لوله مثلاً لوله محافظ کم تر نمود. به این ترتیب که کاهش قطر حفره چاه یا در اصل سوراخ چاه انجام می گیرد. متداول ترین راه برای تنگ تر نمودن چاه، نصب لوله محافظ و لوله آستری می باشد.

Rat-hole of Kelly

چاهک کلی، سوراخ

منظور، یک لوله استوانه شکل توخالی مثلاً، یک شاخه لوله محافظ است که لوله کلی در مواقع غیر ضروری در درون این محفظه قرار می گیرد. فقط به اندازه یک متر از این لوله در بالای صفحه برج و بقیه طول آن، زیر صفحه برج در مجاورت گودال برج قرار دارد.

پیش حفره، پیش سوراخ، پیش محفظه Rat-hole بعضی مواقع در حین حفاری ضروری می شود که انتهای چاه ابتدا چندین متر با قطر کوچک تر از حفره موجود حفاری شده و بعد از کسب اطلاع از کیفیت لایه جدید حفر شده، اقدامات ضروری برای حفاری اصلی صورت پذیرد.

Rat-hole;in DST

چاهک لایه آزمایی، حفره محبوس

به قسمتی از چاه گویند که در لایه آزمایی در بخش زیرین توپک قرار داشته و باید مورد آزمایش قرار گیرد که آیا هیدروکربن دارد یا خیر.

Reamer

چاه گشاد کن

وسیله ای که با آن می توان محل های باریک و تنگ شده چاه (در اثر ریزش دیواره چاه با انبساط و متورم شدن لایه ها) را با حالت اولیه برگرداند.

Relief valve

شیر تخلیه فشار، شیر کاهش فشار

Relief well

چاه کمکی، چاه امدادی

چاهی که در مجاورت یک چاه خارج از کنترل، حفر شود و هدف از این چاه جایگزینی، عبارت است از همان اهدافی که چاه اولی به خاطر آن ها حفر می گردید. مثلاً، اگر چاهی فوران کند و خارج از کنترل گردد (چاه از دست برود)، چاه جایگزین می گردد تا جایگزین چاه اولی باشد.

Retainer

حایل

وسیله ای استوانه ای شکل که می تواند فضای حلقوی بین لوله حفاری و جداری و نیز بین لوله استخراج و لوله جداری را مسدود نموده به این ترتیب می توان سیال (مثلاً، دوغاب سیمان) را در انتهای چاه در پشت لوله های جداری جای داد که در این مورد حایل سیمان نامیده می شود.

Reverse circulation

گردش معکوس، چرخش وارونه

گردش، دوران یا چرخشی که از لحاظ جهت، درست خلاف سمت اولیه باشد؛ مثل، جهت حرکت مخالف با گردش گل حفاری در گردش معکوس که در انتهای آزمایش لایه آزمایشی صورت می گیرد، جهت حرکت گل از فضای حلقوی به درون لوله ها می باشد.

Reverse emulsion

امولسیون معکوس، مخزن امولسیون

نوع نادری از مخزن امولسیونی که در آن قطرات نفت در محیط اصلی آب شناورند.

Rheology

سیال شناسی، رئولوژی

مطالعه جریان و فوران سیالات (گاز، بخار و مایعات)

Rig crew

کارکنان دکل، کارکنان دکل حفاری

منظور، کلیه کارکنان دکل حفاری هستند.

Rig down

پیاده کردن دکل، پایین آوردن دکل

منظور، پایین آوردن برج حفاری و سایر وسایل و دستگاه ها جهت انتقال آن به محل دیگر است.

Rig Superintendent

سرحفار یا رئیس دستگاه حفاری

کسی است که کلیه مسئولیت های دستگاه حفاری و عملیات را به عهده دارد. او عموماً به طور شبانه روزی آماده به کار بوده و در کاروانی درمحل دستگاه حفاری زندگی می کند و در بیش تر موارد طبق برنامه تنظیمی که ممکن است یک یا دو هفته باشد، سرچاه می ماند. تجربه او شامل سال ها کار کردن به عنوان کارگر ساده و حفار می باشد و تخصص کافی در امر حفر چاه، ماشین آلات دستگاه حفاری، ابزار و تجهیزات مربوط دارد. او رهبری عملیات دستگاه حفاری و کارکنان حفاری را به عهده دارد، به علاوه مسوول امور اداری و پرسنلی حفار و کارکنان حفاری است و نیز امور مربوط به کارفرما و پیمان کار را هماهنگ می کند.

Rig up

سوار کردن دکل، برپا داشتن دکل

استقرار دکل را می رساند که برپایی برج حفاری عمده ترین آن هاست.

Riser

لوله ایستای گل، لوله قائم گل

لوله ای قائم درکنار برج حفاری که بین پمپ های گل و لوله خرطومی گل حفاری واقع شده است و گل حفاری در درون آن جریان دارد.

Roll(to)

غلتاندن، غلتیدن، گرداندن، گردیدن، پیچیدن

غلتاندن یک جسم، غلتیدن یک وسیله، گرداندن یک شی به صورت غلتک وار و معانی مشابه دیگر.

Roller bearing

یاتاقان غلتکی، یاتاقان گردان

نوعی سرتمه که در آن دندان های مته که با هم کاج مته را تشکیل می دهند، به صورت غلتیدن حالت چرخشی داشته باشند؛ یعنی، چرخش سرتمه، در اثر غلتیدن روی یاتاقان ها ایجاد می گردد.

Rotary drilling

حفاری دورانی یا چرخشی

روشی از حفاری که در آن میز دوار در اثر نیروی مکانیکی یا الکتریکی یا هردو می چرخد و تمام لوله ها و مته را به چرخش در می آورد و زمین حفر می گردد.

Rotary helper

کارگر سکو، کارگر سکوی برج

منظور کارگر سکوی حفاری است که باید مهارت و قدرت لازم را داشته باشد، کارگر سکو وظایف سنگینی بردوش می کشد.

Rotary hose

شیلنگ گل، خرطومی گل، شیلنگ خرطومی گل

لوله ای از جنس لاستیک ویژه، بسیار پردوام و مستحکم که بین پمپ های گل و لوله ایستای گل از یک طرف و کلی از طرف دیگر قرار گرفته و مایع گل حفاری در درون آن جریان دارد.

Rotary kiln

کوره دوار، کوره چرخان

کوره ای که حالت دور زدن، چرخیدن داشته باشد و خلاصه حرکت دورانی (برگشت به نقطه مبدا) داشته باشد.

Rotary shoe

کفشک دوار

لوله استوانه شکلی که در ابتدای خود نوک تیز و دنده ای باشد به طوری که بتواند موانع فلز گیر کرده در چاه را آسیاب کرده و باعث آزاد شدن آن ها گردد. مانده های آهنی توسط این وسیله خرد و آسیاب شده و سپس آزاد سازی آن ها میسر می گردد.

Rotary swivel

مفصل گردان، مفصل چرخان

مفصلی است که لوله خرطومی گل حفاری را به کلی متصل می کند. این وسیله که حرکت دورانی دارد وزن لوله ها را متحمل می شود.

Round trip

رفت و برگشت ، رفت و برگشت لوله ها درون چاه

Roustabout

کارگر ماهر چاه نفت

اصولاً به معنی کارگر و بیش تر کارگر ماهر در صنایع نفت، گاز و حفاری است ولی بیش تر به کارگر چاه نفت یا گاز اطلاق می شود.

در دستگاه های حفاری دریایی گروه کارکنان حفاری مشابه کارکنان دستگاه حفاری خشکی می باشد، حتی تعداد آن ها زیادتر می باشد. در بین افراد اضافی اپراتور جرثقیل (Crane Operator) و کارگران ساده (Roustabout) (زیرسکو) می باشد. کارگر زیر سکو وسایلی را که مرتب از مرکز (درخشکی) می رسد، تخلیه و جابه جا می کند. آن ها زیر نظر اپراتور جرثقیل ، که موقع بارگیری یا تخلیه بار با جرثقیل کار می کند، انجام وظیفه می کنند.

Run in (the) hole=RIH

پایین بردن لوله ها یا داخل کردن لوله ها در چاه، لوله پایین

Retrievable testing treating and squeezing packer (R.T.T.S. packer)

توپک موقتی، توپک قابل بازیابی

نوعی توپک که برای پیدا کردن محل نشت در لوله آستری و موارد مشابه به کار می رود. این توپک در لوله جداری سرتارسی و بالای محل اتصال لوله جداری سرتاسری با لوله جداری انتهایی یا لوله آستری یا لوله آویز، نصب شده و دارای لاستیک قابل انبساط می باشد.

S

sack=sx

کیسه

واحد اندازه گیری برای حجم موادی است که در حفاری چاه ها ضروری اند، از جمله پودر سیمان، بنتونایت، سی. ام. سی، باریت، نشاسته، مواد بازدارنده هرزروی و ... که همه در گونی حمل می شوند. وزن مواد در کیسه ها گاهی با هم اختلاف دارند:

- | | |
|----------|------------------|
| ۹۴ پوند | ۱- کیسه سیمان |
| ۱۰۰ پوند | ۲- کیسه ینتونایت |
| ۱۰۰ پوند | ۳- کیسه باریت |

Safety platform=monkey board

سکوی برج بان

یک سکوی نسبتاً کوچک که در بالای برج حفاری قرار دارد. برج بان در این محل عمل جابه جایی لوله ها و سایر کارهای مربوط را انجام می دهد.

Samples

نمونه ها، کننده های حفاری

نمونه لایه، طبقه یا سازند در حال حفاری که اندازه آن ها از میلی متر تا سانتی متر است و تجزیه و تحلیل آن ها اطلاعات با ارزشی در اختیار می گذارد. تعیین نوع سنگ ، سازند، سرسازند، عمق لوله جداری، علائم نفت یا گاز به کمک آن ها انجام می گیرد.

Saybolt viscometer

گرانروی سنج سی بلت

وسیله ای برای اندازه گیری خاصیت گرانروی مایعات. مقدار معینی از مایع در ظرف مخصوص (شبهه قیف) ریخته شده و زمان خروج آن بر حسب ثانیه در سه درجه حرارت مختلف (۱۰۰، ۱۳۰ و ۲۱۰ درجه فارنهایت) تعیین می گردد تا با قیف مارش مقایسه شود.

Scraper

تراشنده، لوله پاک کن

وسیله ای که می تواند فضای درونی ابزار به ویژه لوله ها را از موانعی نظیر لایه و پوسته جرم تمیز نماید. وسیله مزبور می تواند موانع درونی را بتراشد.

Scratcher

لوله، جداره یا دیواره (تراش، خراش)

تمیز کردن فضای خارجی یک لوله (مثل لوله جداری) از اندود گل حفاری تا سیمان بتواند به طور کامل جایگزین گل یا اندود گل شود.

Screen

غربال رس، سرند، الک لرزان

صفحه ای دارای منافذ یکسان که به منظور تفکیک مواد جامد با اندازه های متفاوت مورد استفاده قرار می گیرد و با آن می توان مایع را از جامد نیز جدا نمود.

Screw(to)

پیچیدن، پیچ خوردن

بستن پیچ و مهره که با چرخش آن ها در یک دیگر پیچ خورده و سفت می شوند.

Seat

مقر، نشست گاه، تکیه گاه

محل یا عمق لوله جداری که پاشنه لوله جداری به آن نقطه تکیه زده، لذا آن جا را می توان مقرلوله جداری یا عمق لوله جداری نامید.

Set back(to)

نشاندن عمودی لوله ها

قراردادن لوله های حفاری و لوله های سنگین حفاری به طور عمودی روی سکوی حفاری که در این وضعیت یک انتهای آن ها روی سکو و انتهای دیگر بالاتر از محل کار برج بان قرار می گیرد.

Set casing

نصب لوله جداری، نشانیدن جداری، راندن لوله جداری

Shale shaker

الک لرزان یا غربال کننده ها

صفحه فلزی یا منافذ سرشار که همواره در حال لرزش است و گل حفاری با کنده ها روی آن سرازیر می شود. مایع گل حفاری از سوراخ ها عبور نموده در حالی که مواد جامد به ویژه کنده های حفاری روی آن مانده و به خاطر لرزش صفحه به بیرون هدایت می شوند.

shoe (casing-)

پاشنه یا کفشک (لوله جداری)

به ابتدا یا نوک وسایل، ابزار و لوله ها دربرج حفاری گویند (قسمتی از رشته لوله جداری که در کف یا ته دریا قرار می گیرد) این قسمت دارای ساختمان درونی ویژه ای است، از جمله دارای شیر یک طرفه است. طول پاشنه جداری حدود یک متر بوده و جنس آن از سیمان و فلز است.

Shut down(to)

تعطیل کردن، متوقف ساختن

به تعطیل کردن موقتی عملیات اطلاق می شود مثل عملیات حفاری چاه که به طور موقتی خاتمه یابد.

Side-traching =Sidetracking

کنارگذر، پهلو گذر، حفاری انحرافی

گذراندن یک جسم از کنار یا پهلوی جسم دیگر، گذشتن از پهلوی یک محل یا جسم، مورد لزوم یک کار زمانی که ادامه حفاری در یک چاه غیر ممکن می گردد، به عنوان مثال، اگر عمل مانده یابی با ابزارهایی ناموفق باشد. از بالای مانده چاه جدیدی که از مسیر اول انحراف داشته باشد، حفاری می شود.

Side wall core

مغز دیواره، مغزه دیواره چاه، مغز جانبی

نوعی نمونه از ساند که شکل آن شبیه مغزه است اما، باریک تر از مغزه های معمولی و وجه تمایز اصلی آن با مغزه هست است که این نمونه از دیواره چاه گرفته می شود. در ضمن این مغزه باید از سازندهای نسبتاً نرم تهیه شود.

Side wall coring

مغزه گیری دیواری، مغزه گیری دیواره چاه

Sieve analysis

تجزیه و آنالیز غربالی، تجزیه و تحلیل غربالی

ارزیابی دانه از روی اندازه و بزرگی آن ها توسط غربال و الک، بدین شکل که درصد دانه ها که از غربال های متعدد با قطرهای مختلف منافذ و سوراخ ها عبور می کند و تعیین می گردد. در اصل هرگونه ارزیابی توسط غربال و الک و هر چیزی شبیه آن ها را نامند.

Sieve (molecular)

غربال ملکولی، الک (سرنند) ملکولی

صفحه شبیه غربال، که به منظور جدا نمودن ملکول ها در اندازه های متفاوت به کار می رود.

Silt

سیلت، مخلوطی از دانه های ریز ماسه و رس

میل سنگین، میل وزین ، میل سنگین کن Sinker bar

وسيله آهنی یا فولادی با وزن سنگین که استفاده از آن نیز به دلیل همین وزن زیاد آن است. این وسیله در حفاری چاه ها به منظور قائم نگه داشتن وسایل و کابل حفاری به کار می رود که مسیر چاه، امتداد شاقولی یا نزدیک به آن داشته باشد.

Skid(to)the derrick

لغزاندن برج حفاری، انتقال لغزشی برج حفاری

در این نوع جابه جایی تعداد کمی از وسایل به طریقه معمولی انتقال داده می شوند و اغلب بدون جابه جایی تک تک آن ها، با خود دستگاه به نقطه دوم منتقل می شوند.

Slips=Rotary slips

لوله گیر (دورانی)

وسيله ای که در حفره صفحه دوار قرار گرفته و لوله های حفاری در درون آن قرار می گیرد. وظیفه لوله گیر این است که لوله ها و ابزار را نگه دارد ساختمان آن دنده دنده بوده و وقتی که به دور لوله ها پیچیده می شود، مانع حرکت آن ها می گردد. حالت چرخشی ندارد فقط به دلیل استفاده از آن در حفاری دورانی صفت مزبور را به خود گرفته است.

Spool

سرلوله، سرلوله جداری

بخشی از لوله جداری که در سلر و زیر شیرهای فوران گیر قرار داشته و در اصل، ابتدای رشته لوله جداری روی زمین است.

Supd in (to)

آغاز یا شروع حفاری

Squeeze-cement

تزریق کردن سیمان، فشار دادن، فشردن

پاشیدن (تزریق) دوغاب سیمان در لایه های حفر شده چاه به منظور جلوگیری از هرزروی گل حفاری، مورد دیگر، تزریق دوغاب در شکاف های ایجاد شده در چاه است که ممکن است دچار گاز گرفتگی شده باشند. درسازند گچساران، مارل های خاکستری و نمک، تحت تاثیر فشاری که روی آن هاست، حالت پلاستیکی یافته و به درون حفره چاه فشرده و رانده می شوند که به این پدیده squeezing اطلاق می گردد. جهت جلوگیری از این پدیده باید سرعت حفاری را کم کرده و شروع به بالا بردن تدریجی وزن گل نمود تا وضعیت حفر چاه بهبود یابد. هم زمان با افزایش وزن، می توان سرعت حفاری را افزایش داد. این پدیده معمولاً وقتی فشارهیدروستاتیک گل از فشار سازند کم تر است، رخ می دهد و مشکلات زیر را سبب می شود:

۱- تنگی حفره چاه (Tight Connection)

۲- گلی شدن مته (Bit Balling)

۳- گیرلوله ها (Pipes Stucking)

۴- هرزروی گل (Lost Circulation)

اگر سازند مارل باشد، به علت پخش شدن سریع ذرات آن در گل، افزایش سریعی در ویسکوزیته پیش می آید که این افزایش ویسکوزیته و در نتیجه افزایش اصطکاک، باعث زیاد شدن هرزروی تا حد هرزروی کامل گل حفاری می شود.

Stabilizer

طوقه پایدار، پایدار کننده

لوله نسبتاً وزین که بر بالای مته سوار شده و به درون چاه فرستاده می شود و هدف از این کار نگه داشتن ساق مته به حالت شاقولی یا نزدیک به شاقولی است که مقصود از این کار هم این است که مسیر چاه در امتداد خط شاقولی یا نزدیک به آن بوده و خلاصه مسیر چاه کج نباشد تا هم بتوان به هدف دست یافت و هم حفاری نسبتاً سهل صورت **6** داد.

Stain

آغشته، آلوده

وجود یک سیال - بیش تر یک مایع - در یک جسم، نظیر وجود نفت در کنده های حفاری که می تواند دلیلی بر وجود مخزن نفت باشد.

Stands=thribble

سه شاخه حفاری، سه شاخه لوله حفاری

جمع سه شاخه لوله حفاری را می نامند که معمولاً به یک دیگر متصل بوده و به صورت قائم روی سکوی برج توسط کارگران سکو قرار داده می شود و باید گفته شود که انتهای دیگر این سه شاخه را برج بان در محل کار خود در بالای برج در حفره های ویژه قرار می دهد.

Stand pipe

لوله قائم یا ایستای گل

لوله ای به شکل لوله ای حفاری که در حالت قائم در امتداد برج نشانده شده و از یک طرف توسط لوله های گل حفاری متصل به تلمیه های گل است و از طرف دوم به لوله خرطومی گل حفاری و ناگفته پیداست که در داخل آن گل حفاری جریان دارد.

Stick(to):Stuck pipe

گیر کردن، گیرافتادن، چسبیدن

برخورد دیواره چاه با وسایل حفاری و لوله های سنگین و چسبیدن این ها به هم دیگر این اتفاق ناخوشایند بیش تر در لایه های نرم، چسبنده و ریزشی روی می دهد که گیر لوله ها می نامند و آزاد ساختن آن بعضی اوقات دشوار و حتی مخاطره آمیز است.

Sticky (formation)

چسبنده، چسبناک، سازند چسبنده

هر جسم یا ماده ای که حالت چسبندگی داشته باشد (برخی از لایه ها مثل مارن، رس که در حفاری چاه ها مساله ساز هستند)

Strike

جهت، امتداد

ویژگی و خصوصیت مهم از لایه، طبقه یا سازند در چارچوب علوم زمین و آن خط، سطح یا امتدادی است که یک لایه غیر افقی با سطح افق می سازد. امتداد مزبور با مشخصات جغرافیایی (شمال - جنوب و شرق - غرب) تعیین می شود و خط عمود بر آن یک ویژگی مهم دیگر به نام شیب را می سازد که یک زاویه با جهت مربوطه است.

String shot

رشته انفجار، وسیله انفجار و ضربه

وسیله ای که می تواند با ایجاد حرکت انفجار مانند در محیط اطراف خود لرزش، تکان و حرکات جنبشی تولید نماید. این وسیله برای آزاد سازی لوله های گیر کرده به کار می رود که وسیله انفجار ازدرون لوله های گیر افتاده تا محل گیر هدایت شده و هم زمان با ایجاد شوک، لوله ها را در جهت باز شدن، روی سکو می چرخاند و دراصل لحظه ای پس از تولید شوک و ضربه عمل پس گردی انجام می گیرد.

String shot back off

انفجار و پس گردی

Sroke per minute

ضربه در دقیقه، تعداد ضربه در دقیقه

تعداد ضربه های رفت و برگشت در هر وسیله یا دستگاهی که دارای پیستون یا ابزاری شبیه پیستون باشند، مثل تلمبه یا پمپ گل حفاری.

Stuck pipe

لوله گیر کرده، لوله گیر افتاده، لوله چسبیده

به هر نوع لوله اعم از لوله (حفاری، وزنی، جداری و آستری) که در چاه گیر کرده باشد، گویند گیر افتادن لوله ها از اتفاقات ناخواسته و زیان بار در امر حفاری است که در سازندهای نرم و چسبنده احتمال بیش تر دارد.

Stuck point

عمق گیر، نقطه گیر لوله

نقطه یا عمقی از چاه را گویند که لوله ها در آن جا گیر افتاده اند. بالای آن عمق، لوله ها آزاد بوده و از آن نقطه به پایین لوله بی حرکت هستند.

Stuffing box

جعبه آب بندی، جعبه درزبندی

وسیله یا دستگاهی در مجموعه شیرهای سرچاه که به خاطر انبساط توپک درون خود، مانع از نشت یا درز سیال اعم از نفت یا گاز می شود.

Substructure (derrick)

زیرساخت برج حفاری، زیر بنای برج (فونداسیون برج حفاری)

منظور آن قسمت از زمین است که زیر برج قرار گرفته، وضعیت ساختمانی زمین که پایه های برج روی آن استوار است.

Suspended well

چاه معلق، چاه تعلیقی

چاهی که به حالت تعلیق درآمده است. انجام مطالعه و عملیات روی چاه معلق در آینده حتمی است، ولی فعلاً به دلایلی همچون نبود تکنولوژی یا ابزار خاص کنار گذاشته شده است.

Swab(to)

مکیدن مخزن یا نفت، کشیدن نفت

انتقال مایع از محل خود توسط اعمال مصنوعی مانند مکیدن مایع به وسیله ابزاری مانند لوله که این مکانیسم در چاه های کم فشار برای استخراج نفت به کار می رود. این عمل توسط وسیله ای به نام سنبه انجام می گیرد؛ ولی اگر بعد از سنبه زدن یا مکیدن، باز بهره بردای انجام نگیرد، تنها راه تولید عبارت خواهد بود از استخراج مصنوعی که به کمک تلمبه (پمپ) یا ابزار مشابه باید صورت گیرد.

Swabbing(well)

سنبه کاری چاه، مکیدن چاه

کشیدن نفت از مخزن کم فشار توسط عمل سنبه زنی.

Swabbing effect

اثر مکیدن ، اثر مکش

اثر چسبندگی یک مایع به جسمی که از درون مایعی کشیده شود. این پدیده درحین بیرون کشیدن لوله ها از چاه اتفاق می افتد که اگر چاه مرتب پر نشود، امکان ایجاد صدمه به چاه وجود خواهد داشت.

T

Tap (thread)

مارپیچ تراش، قلاویز

وسیله ای که می تواند عمل تراشیدن را مارپیچ گونه انجام دهد.

Taper tap

نوعی وسیله مانده یابی است، نوک طویلی دارد که نظیر پیچ است، اما شکل مخروطی دارد که به انواع مانده ها، مناسب باشد (قطر نوک مخروطی به تدریج زیاد می شود)

Tee

سه راه، سه راهه

لوله ای که در یک نقطه در سه جهت منشعب می شود.

Tensile strength

مقاومت کششی، استحکام کششی

مقدار تنشی که لازم است تا باعث شکسته شدن جسم گردد. در کنار این مقاومت، نقطه پاره شدن یا لهیدگی وجود دارد و آن مقدار باری است که سیستم می تواند تحمل نماید. مسلم است که مقاومت کششی بیش تر از حد الاستیک یا نقطه لهیدگی است.

Thief formaiton

سازندی که گل حفاری یا هر سیال دیگر در آن فرو رود (هرز رود)

Thinner تینر

مایعی در انواع گوناگون متشکل از ترکیبات آلی (نظیر مواد سلولزی و غیره) و نیز ترکیبات معدنی (نظیر پیروفسفات ها و تترافسفات ها و غیره) که در صنعت موارد استفاده فراوان دارد، از جمله به گل حفاری جهت کاهش گرانروی اضافه می شود.

Thinning agent

عامل روانی، عامل رقیق ساز

عاملی که باعث رقیق و روان شدن مایع نسبتاً غلیظ شود آب، نمونه آشکاری از این گونه عوامل می باشد.

Thixotropy

خاصیت سیال گرایی، خاصیت مایع گرایی

خاصیت ویژه ای در بعضی مایعات کلوئیدی که در حالت جاری بودن و حرکت مثل مایع همگن به نظر می رسند ولی به محض خاتمه جریان و حالت سکون به صورت نیمه مایع- نیمه جامد درآمده و حالت مایع ژلاتینی یا کلوئیدی به خود می گیرند. گل حفاری اکثراً باید چنین مایعی باشد که در حالت سکون وعدم گردش گل، مواد جامد از جمله کنده ها به صورت معلق در گل حفاری شناور باشند.

Thribble=stand

سه شاخه لوله

اتصال سه شاخه لوله حفاری را می نامند که به عنوان یک واحد لوله به کار می روند و به چاه داخل و از آن به همان شکل سه شاخه خارج می شوند.

Tie(to)

متصل کردن، به هم بستن

معنای متصل نمودن وسایل و ابزار را می رساند، بستن ابزار به یک دیگر است.

Tie back (to)liner

پس آویز، پس دوزی لوله آستری

تبدیل لوله آویزه یا آستری به لوله جداری را نامند. بدین معنی که ابتدا در چاه رشته لوله آستری رانده شده ولی سپس بنا به دلایلی این رشته لوله باید به رشته لوله جداری تبدیل گردد.

Tight formation

سازند فشرده، سازند متراکم

به سازندی اطلاق می شود که میزان تخلخل و متعاقب آن مقدار تراوایی نسبتاً ناچیز باشد.

Tight hole

حفره تنگ، چاه تنگ

سوراخ یا حفره چاه که قطر اولیه آن در اثر ریزش لایه ها یا به هم آمدن آن ها کاهش یابد که می تواند باعث گیر کردن لوله ها شده و حتی به قیمت از دست دادن چاه تمام شود.

Tongs

آچار لوله حفاری، آچار باز و بست لوله ها

نوعی آچار که به طور عمده برای باز و بسته کردن لوله های حفاری، لوله های جداری، لوله های آستری یا آویزه لوله های استخراج و سایر ابزار مشابه به کار می رود. آچار مزبور از روی سکوی برج به صورت آویزان مورد استفاده قرار می گیرد.

Tool pusher

سرحفار

بالاترین فرد مسوول روی دکل حفاری، همتای شب کار وی سرحفار شب نامیده می شود. اصولاً کارچاه بدون وقفه است و دو گروه با عنوان های روزکار و شب کار مشغول خدمت هستند که مدت زمان کار هر گروه، ۱۲ ساعت است.

Tour pusher (is pronounced tower)

سرحفار شب

معمولاً به سرحفار که در نوبت شبانه مسوولیت دارد، اطلاق می شود.

Trip (Drilling-)

حرکت لوله ها، بالا-پایین کردن لوله ها

درصنعت حفاری عبارت است از داخل کردن لوله ها یا سایز ابزار در درون چاه یا خارج کردن آن ها. حرکت لوله ها دلایل مختلفی می تواند داشته باشد، نظیر تعویض مته یا نمودارگیری، مغزه گیری و غیره.

Trip gas

گازی است که درحین عملیات داخل یا خارج کردن لوله ها از چاه خارج گردد، که باید عملیات مزبور را متوقف نموده و به مقابله با آن پرداخت.

Trip in (to)

لوله پایین، داخل کردن لوله ها در درون چاه

Tubing hanger

آویز، لوله مغزی

وسیله ای که رشته لوله مغزی را از مجتمع شیر سر چاه به صورت آویزان نگاه می دارد. این آویزه بین لوله مغزی و شیرهای سرچاهی است.

Tubing head

سر لوله مغزی، سرمغزی

بخش آغازی رشته لوله مغزی در سطح زمین که اتصال این رشته را با رشته لوله جداری ممکن ساخته و فشار درونی لوله مغزی را متحمل می شود. این رشته بین لوله مغزی و آخرین رشته لوله جداری قرار می گیرد.

Twin well

چاه دوقلو

چاهی که محل آن در نزدیکی یک چاه بهره ده باشد و علت حفر این چاه (چاه دوم) بهره بداری از یک افق دیگر یعنی، از سنگ مخزن دیگری است. معادنی وجود دارند که چندین لایه روی هم قرار گرفته، دارای مخزن نفتی یا گاز هستند که البته، سنگ مخزن های مزبور با هم ارتباط ندارند.

Twist off

شکستن لوله، پاره شدن لوله

شکسته شدن، پاره شدن یا جدا شدن لوله های چاه در اثر اتفاقی هر چند نادر، گاهی نوک مته یا خود مته در لایه گیر کرده و قادر به حرکت نمی شود. حال اگر در همین زمان چرخش صفحه دوار ادامه داده شود و مخصوصاً اگر دوران آن زیاد باشد، حرکت به خود لوله ها منتقل شده و در نقطه یا امتداد خطی، لوله ها به دور خود می چرخند که این عمل می تواند منجر به شکستگی و پاره شدن لوله های مزبور شود.

U

Up dip

فراشیب

درست جهت مخالف یا مقابل شیب لایه، چینه و سازند را می نامند. هر عمل و حرکتی در جهت مخالف با شیب زمین، یا به عبارت دیگر سربالایی است.

Urban well

چاه حومه شهری

چاهی که در شهر یا محل سکونت حفر گردد.

این چاه ها، با رشته تکمیلی حومه شهری (Urban area completion) ، مجهز به شیر ایمنی درون چاهی 3SV (Sub surface safety valve) تکمیل می شوند تا در هنگام وقوع خطر، چاه از داخل بسته و ایمن گردد.

V

V-door=Derrick window

پنجره سکوی برج حفاری، درب سکو

سطحی فلزی و شیب دار که یک انتهای آن به جایگاه لوله و انتهای دیگر به سکوی برج حفاری متصل است. درضمن محل اتصال سطح شیب دار مزبور با سکوی برج تنها محلی از سکوی برج است که حفاظ نرده ندارد و علت آن این است که نقل و انتقال ابزار از زمین به روی سکو و برعکس از طریق همین پنجره انجام می گیرد.

Vibrating screen

غربال لرزان، الک لرزان

صفحه مشبک نظیر غربال، الک یا سرنده که در حال لرزش و ارتعاش دائمی باشد؛ مثل غربال لرزان برای کنده های حفاری سر چاه نفت یا گاز.

Viscometer

گرانروی سنج، غلظت سنج

دستگاهی که با آن می توان مقدار گرانروی را مشخص نمود. گرانروی در واحدهای مختلف از جمله پوآز و زمان (ثانیه) اندازه گیری می شود.

Viscosimeter (Marsh Funel-)

گرانروی قیف مارش

گرانروی سنج که به شکل یک قیف است و حجم معینی از مایع مثل گل حفاری در آن ریخته و مدت زمان خروج مایع مزبور را در واحد زمان مثلاً، ثانیه اندازه می گیرند. زمان مزبور به عنوان گرانروی گل حفاری نامیده می شود و سال هاست که در چاه ها کاربرد دارد.

W

Waiting on cement=WOC

انتظار بندش سیمان، انتظار گیرش سیمان

سیمان در عمر یک چاه به ویژه به هنگام حفاری، موارد استفاده متعدد و مهمی دارد. از این موارد می توان سیمان کاری لوله جدرای و آستری را نام برد. دومین مورد مقابله با هرزروی گل حفاری است و سومین مورد گذاشتن مانع سیمانی در چاه است. حال این عملیات توسط پمپ کردن دوغاب سیمان صورت می گیرد که طبیعی است تا مرحله سخت شدن، مدت زمانی وقت لازم است و تمام عملیات چاه تا زمان بندش دوغاب سیمان باید متوقف گردد. این فاصله زمانی با این اصطلاح بیان می شود.

Wall hook

قلاب مانده یاب، قلاب ابزار یاب

نوعی وسیله ابزار یابی است که برای بیرون کشیدن لوله های مانده در چاه به کار می رود. ساختمان ورودی یا دهانه این وسیله طوری است که ابتدای لوله گیر کرده در چاه را که احتمالاً به دیواره چاه تکیه داده یا چسبیده به میانه چاه می کشاند تا با ابزار دیگر مانده یابی به خارج از چاه آورده شود.

Wall scraper/scratcher

دیوار روب، دیوار خراش

وسیله ای که شبیه استوانه است و با زائده های محکم خود می تواند دیواره چاه را که به سمت داخل ضخیم شده بتراشد. این پدیده که همان باریک شدن قطر چاه است در اثر ایجاد اندود گل ایجاد شده و در موقع حفاری و نیز راندن لوله جداری مزاحمت ایجاد می کند. لذا، این وسیله با تراشیدن یا خراشیدن اندود گل و دیواره چاه اندازه قطر چاه را به حالت اولیه بر می گرداند.

Wash over (to)

دورشویی

عبارت است از تمیز کردن و شستن ابتدا و حول و حوش لوله های مانده درچاه که توسط لوله دورشویی، صورت می گیرد. این عمل باید قبل از هر اقدامی صورت پذیرد تا وسایل مانده یابی بتواند با لوله های مانده درچاه تماس حاصل نموده و درنهایت قسمتی از ابتدای لوله را در درون خود جای داده و به بیرون منتقل سازند.

Wash over pipe

لوله دورشویی

لوله ای شبیه لوله های حفاری ولی با قطر داخلی بیش تر که وظیفه آن شستن اطراف لوله های مانده در چاه است.

Water cushion

آب ضربه گیر

درلایه آزمایی، بیش تر لازم است که فضای درونی ساق مته با یک مایع پر شود تا در مقابل فشار سازند حادثه ای رخ ندهد. اگر این مایع، آب باشد، آب ضربه گیر خوانده می شود.

Water disposal well

چاه دفع آب، چاه آب زائد

چاهی که به منظور دفع آب زائد که معمولاً در واحدهای نمک زدایی، بهره برداری و پالایشگاه تولید می شود، حفر شده و مورد استفاده قرار می گیرد.

Weight indicator

وزن نما

وسیله یا دستگاهی که نشان دهنده وزن باشد، نظیر ترازوی گل حفاری و دستگاه وزن نما روی سکوی برج که وزن روی مته را نشان می دهد.

Whip stock

زانویه انحراف

وسیله ای که دارای انحراف از امتداد مستقیم بوده و به همین جهت به همراه مته حفاری قادر است درمسیر حفاری، انحراف ایجاد نماید. این وسیله در حفاری چاه های انحرافی و چاه های جهت دار مورد استفاده قرار می گیرد.

Wild cat well

چاه وحشی، چاه اکتشافی

چاهی که در منطقه کاملاً نامعلوم و نامشخص از نقطه نظر اکتشاف حفر گردد و طبیعی است که این، اولین چاه در منطقه مزبور نیز هست. صفت وحشی، خودسر و ... بی سبب نیست. در ضمن احتمال عدم موفقیت در کشف نفت یا گاز در این چاه بیش تر از چاه های دیگر اکتشافی است.

Window (Derrick-)

پنجره برج حفاری، درب سکو

بخش کوچکی از سکوی برج حفاری که اولاً، دارای نرده حفاظ نیست و ثانیاً، به سطح شیب دار متصل است. هدف از این کار، داخل و خارج کردن ابزار و لوله ها از زمین به سکوی برج و برعکس است.

Wire

سیم، طناب فلزی، کابل

سیم فلزی مقاوم که در برج حفاری کاربرد زیادی دارد. مهم ترین مورد آن، رشته سیم طویلی است که سه وسیله مهم برج یعنی، منجنیق، جعبه قرقره و متحرک و جعبه قرقره سربرج را به هم متصل می نماید و مقاومت سیم مزبور تا حدی است که می تواند وزن بسیار زیادی را تحمل نماید.

Wire line service/survey

خدمات سیمی، خدمات درون چاهی

اغلب بیان گر عملیاتی است که برای تهیه نمودارها انجام می شود ولی، در کل به تمام عملیاتی اطلاق می شود که وسایل آن ها توسط سیم به درون چاه فرستاده می شوند.

Wire rope

سیم، کابل

Work over rig

دکل تعمیری، دکل تعمیراتی

دکلی که مخصوص عملیات تعمیر یک چاه است.

X

Xero

خشک - بدون آب

اشعه مجهول - اشعه ایکس X-ray

زایلن Xylen

Y

Yield point

نقطه گسستگی ، نقطه تسلیم، لهیدگی ، نقطه واروی

نقطه ای که یک جسم در مقابل نیروهای وارد بر آن توان تحمل داشته و دچار تغییر نمی شود، تغییر یا تغییرات با گذر از این نقطه روی می دهد.

Yield strength

حد مقاومت گسستگی، درجه استحکام

حداکثر استحکام یا دوام یک جسم درمقابل نیروهای وارد، که دچار تغیر یا تغییرات نگردد. آن نقطه ای که در آن تغییر حادث شود، نقطه لهیدگی، و مقدار حد یا درجه نیرو یا کشش مربوط، حد لهیدگی نامیده می شود.